

# آینده جرم‌شناسی و جرم‌شناسی آینده

عزت. ا. فتاح

ترجمه و توضیح: اسمعیل رحیمی‌نژاد

## چکیده

با توجه به وابستگی متقابل حقوق جزا و جرم‌شناسی و اینکه جرم‌شناسی، دانش جرم بوده و واکنش اجتماعی بخش مهمی از جرم‌شناسی را تشکیل می‌دهد و همچنین با عنایت به نقصها، معایب، ضعفها و کمبودهای جرم‌شناسی سنتی و اصیل در تبیین پدیده مجرمانه و انتقادات شدید جرم‌شناسان رادیکال (بنیادی، انتقادی، جدید) از جرم‌شناسی سنتی، می‌توان گفت که شکل‌گیری، محتوا و جهت‌گیریهای جرم‌شناسی آینده نه تنها شدیداً تحت تأثیر تحولات آتی جرم، حقوق جزا و واکنش اجتماعی (نگرش جامعه نسبت به جرم و انحراف، فلسفه کیفری جامعه، شیوه‌های رسمی و غیر رسمی کنترل اجتماعی و ضمانت اجراهای کیفری) خواهد بود؛ بلکه دارای جهت‌گیری سیاسی، ارزشی و دستوری، جامع‌گرایانه بوده و به مطالعات تاریخی، مطالعات تطبیقی و همچنین جامعه‌شناسی حقوق بیشتر توجه خواهد داشت.

بدون تردید، تا جامعه هست، جرم هست و تا جرم وجود دارد، انسان نیازمند دانش جرم (جرم‌شناسی) خواهد بود. بی‌نیازی آکادمیک از جرم‌شناسی زمانی ممکن است که ما بتوانیم جامعه فارغ از جرم داشته باشیم. هر چه قدر تعداد جرایم زیادتر بوده و اشکال و الگوهای جرم بیشتر تغییر یابند، این نیاز جهت یافتن علل و عوامل، زمینه‌ها، جاذبه‌ها و ابزار مؤثر برای پیشگیری جرم و همچنین اصلاح و درمان بزهکاران بیشتر خواهد بود.

درست است که تاریخ پیدایش جرم به تاریخ خلقت انسان برمی‌گردد، اما تاریخ جرم‌شناسی تاریخ جدیدی است و از سابقه آکادمیک آن سده‌ای بیش نمی‌گذرد و شاید به همین دلیل است که جرم‌شناسان سنتی و اصیل از یک طرف و جرم‌شناسان جدید و بنیادگرا و انتقادی از سوی دیگر، تا کنون نتوانسته‌اند تجزیه و تحلیل کامل و شایسته‌ای را از پدیده مجرمانه ارائه دهند.

تیین کامل پدیده مجرمانه از یک سو مستلزم این است که رفتار انسان به طور کلی و از جنبه‌های مختلف تاریخی، جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی، زیست‌شناختی و روان‌شناختی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و از طرف دیگر لازمه‌اش گسترش مطالعات تطبیقی و ارج نهادن به آنهاست. پایین بودن سطح تحقیقات راجع به دانش جرم‌شناسی مخصوصاً از لحاظ کمی و بویژه در کشور ما، نیاز به انجام مطالعات تطبیقی و ارائه تئوریهای کاملاً رضایت‌بخش و متقاعدکننده در تبیین رفتار انسان به طور کلی و مخصوصاً پدیده مجرمانه را دوچندان می‌نماید.

مقاله حاضر با توجه به ضرورت فوق‌تدوین گردیده است. این مقاله ترجمه آخرین بخش از کتاب

1. Criminology: past, present and future، تحت عنوان

2. The future of criminology and criminology of the future،

است که توسط جرم‌شناس معروف کانادایی به نام «عزت. ا. فتاح»<sup>۳</sup> نوشته شده و برای اولین بار در

سال ۱۹۹۷ در ایالات متحده آمریکا توسط شرکت انتشارات مارتین

۱ - جرم‌شناسی: گذشته، حال و آینده.

۲ - آینده جرم‌شناسی و جرم‌شناسی آینده.

۳ - عزت. ا. فتاح (Ezaat.A.Fattah) جرم‌شناس معروف کانادایی است. وی پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه قاهره در رشته حقوق، جهت تقویت دانش جرم‌شناسی، علوم اجتماعی را در دانشگاه Vienna تحصیل نمود؛ سپس به دریافت درجات عالیتر در جرم‌شناسی از دانشگاه مونترال Montreal نایل گردید. در حال حاضر دارای سمتهای آموزشی در دانشگاههای مونترال و سیمون فراسر Simon Fraser، هلسینکی فنلاند، مانسند آلمان و ... می‌باشد. از میان آثار اخیر وی می‌توان به:

«From crime ploicy to Victim ploicy» و «The Plight of crime Victims in Modern society»

«Towards a critical victomology and understanding criminal victimization» اشاره کرد.

S. T. Martin's press inc. و در بریتانیای کبیر توسط شرکت انتشارات مک میلان Macmillan. press. LTD چاپ گردیده است.

ترجمه مشتمل بر دو فصل است. در فصل اول که مربوط به آینده جرم‌شناسی است، تحولات آتی جرم، حقوق جزا، واکنش اجتماعی و مجازات مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل دوم نیز که در خصوص جرم‌شناسی آینده است. ضمن اشاره به نقصها و کاستی‌های موجود در جرم‌شناسی معاصر و ایرادات متقابل جرم‌شناسان سنتی و رادیکال، از جهت‌گیریهای مختلف جرم‌شناسی در آینده سخن به میان آمده است.

## آینده جرم‌شناسی و جرم‌شناسی آینده

### فصل اول: آینده جرم‌شناسی

جرم‌شناسی که فارغ از فردگرایی علمی خود بوده و دارای بینش عملی و تجربی باشد، آینده بالقوه‌ای دارد که سرشار از پویایی و تحرک و به دور از بدبینی است.<sup>۱</sup>

مجرمین آینده، احتمالاً بسیاری از انگیزه‌های (بزهکاران) امروزی را نظیر شیادی، حرص و طمع، شهوت، انتقام و ... خواهند داشت. اما شیوه‌های ارتکاب جرایم آنان اساساً متفاوت خواهد بود. با تکنولوژی که امروزه در حال توسعه است، مجرم خواهد توانست، خانه شما را با استفاده از خطوط کامپیوتر، تلفن و تویی‌های دوطرفه ویدئو مورد تجاوز قرار دهد. او (مرد یا زن) می‌تواند از طریق مزاحمت‌های روانی و تکنیک‌های دستکاری ذهنی، شما را مورد حمله قرار داده و برای خارج شدن از مغز شما درخواست پول نماید. تکنولوژی جدید همه این امور را ممکن و حتی محتمل خواهد ساخت.<sup>۲</sup>

جرم‌شناس فنلاندی به نام «پاتریک تورناد»<sup>۳</sup> احتمالاً راست گفته است که: «در جرم‌شناسی هرگز جایزه نوبلی نخواهد بود.»؛ [زیرا] در فیزیک، ستاره‌شناسی، بیولوژی، و شیمی موقعیت و فرصت برای کشفیات تکان دهنده، خارق‌العاده و گسترده همیشه فراهم بوده و خواهد بود. [اما] علوم اجتماعی با توجه به ماهیت خود آنها، برای کشفیات بدیع و مهم مناسب نیستند؛ البته این بیان به معنای بدنام کردن رشته‌هایی که این و یا آن جنبه از جامعه را مطالعه می‌کنند، نیست؛ صرفاً [به منظور] یادآوری تفاوت‌های اساسی است که بین علوم طبیعی و علوم اجتماعی وجود دارد. اصول همزمانی جبر

1 - A. Keith Bottomley (1979: 150), *criminology in focus: past trend and futur prospects*.

2 - Tom keenan (1984:12), Transcript of the CBC programe' Ideas'.

3 - Tornudd, p. (1985). A more sombre mood. *International Annals of criminology*. 23, PP.67-80.

گالیه، قانون جاذبه نیوتون و تئوری نسبیت انشتین شاید برای همیشه زنده و پایرجا خواهد ماند. در حالی که تئوری‌های علوم اجتماعی ناپایدار، قابل تغییر، قابل جایگزینی و اغلب غیر قابل تجربه هستند.

دانش جرم‌شناسی با توجه به موضوع خاص خود، بیشتر از علوم اجتماعی دیگر در معرض محدودیت‌های شدید و جدی است؛ آگاهی از این محدودیت‌ها نباید باعث بدبینی بلکه موجب واقع‌نگری باید باشد. این آگاهی نباید سبب تسلیم، بلکه باید موجب مقاومت در مقابل این محدودیت‌ها گردد.

همچنانکه آقای تورناد خاطر نشان می‌سازد:

«خصوصیت دایمی همه تحقیقات جرم‌شناختی این است که موضوع آنها، جرم، نمود عملکرد متقابل فشارهای اجتماعی است و این امر مانع از پیشرفت‌ها و خلاقیت‌های علمی در دانش جرم‌شناسی یا در فن‌اعمال این دانش می‌گردد. حتی ممکن است ماشین‌های خودکار و خود بخود تنظیم شونده<sup>۱</sup> تشخیص پیشرفت‌های واقعی در فهم جرم یا در هنر برخورد با جرم را مشکل سازد.»

آری، ممکن است در دانش جرم‌شناسی هرگز جایزه نوبلی نباشد. با این حال در عصر ناامنی که ما در آن زندگی می‌کنیم، مقام و موقعیت‌های جرم‌شناسان، مصون و محفوظ است. [جرم‌شناسان از مقام و موقعیت والایی برخوردار هستند.] مسلماً می‌توان گفت تا مادامی که جرم است، نیاز به دانش جرم نیز باقی خواهد بود. آزادی [بی‌نیازی] آکادمیک از جرم‌شناسی تنها زمانی ممکن است که ما بتوانیم جامعه‌ای بدون جرم داشته باشیم. هر چه قدر جرم بیشتر باشد و اشکال و الگوهای آن بیشتر تغییر یابند، نیاز به تحقیق پیرامون جرم نیز، اگر نه برای یافتن علل مشکل آن، حداقل برای درک نمودها، زمینه‌ها و جذبه‌ها و یافتن ابزارهای مؤثر پیشگیری یا کاهش آن، شدیدتر خواهد بود.

پیش‌بینی آینده، به بهترین وجه، مخصوصاً در علوم اجتماعی کار مشکل و پرخطری است. با وجود این، مطالعات اجتماعی تازمانی که در برگیرنده جزء مهم تاریخی آن نبوده و نوعی بازتاب از جامعه آینده نباشد، کامل نخواهد بود. طرح تحقیقاتی و آموزشی مطلوب در علوم اجتماعی، طرحی است که موقعیت گذشته، حال و آینده ما را بررسی و تجزیه و تحلیل نماید.

جرم‌شناسانی مثل من که فاقد جام بلورین هستند، تنها چاره‌ای که دارند این است که تلاش کنند تا آینده جرم‌شناسی را بر اساس مطالعات دقیق پیرامون تاریخ، تحول و وضعیت کنونی آن، به

طور واقع بینانه ارزیابی نمایند. چنین مطالعه و تجزیه و تحلیلی منجر به این نتیجه می‌شود که آینده جرم‌شناسی، آینده درخشانی است. علی‌رغم فقدان یک چارچوب فکری واحد و کثرت الگوها، علی‌رغم فقدان ظاهری موفقیت در زمینه‌های مربوط به علت‌شناسی<sup>۱</sup> جرم و پیشگیری از آن و با وجود شکست‌ها و بدبینی‌های معاصر، دلایل فراوانی جهت خوشبینی نسبت به آینده وجود دارد. یقیناً من با ادعای «یونگ»، «تایلور» و «والتون»<sup>۲</sup> که می‌گویند: تجزیه و تحلیل رادیکال مطمئناً موجب حاشیه‌ای و کم‌اهمیت شدن جرم‌شناسی است، مخالفم. کاملاً برعکس، هیچ تردیدی ندارم که جرم‌شناسی در آینده در میان علوم اجتماعی جایگاه والا و برجسته‌ای خواهد داشت. گرچه قابل انکار هم نیست که جرم‌شناسی آینده از جرم‌شناسی امروز، بدانگونه که ما آن را می‌شناسیم، متفاوت خواهد بود. جرم‌شناسی، امروزه به جای اینکه در یک وضعیت بحرانی باشد، مرحله خاصی از پیشرفت را طی کرده و در حال رشد و بلوغ خود می‌باشد.

جرم‌شناسی یک رشته پویا و پرتحرکی است. این رشته ثبات و پایداری علوم طبیعی را نداشته و در طی دوره‌های کوتاه مدت زمانی، تحولات شگرف و پرهیجانی را تجربه می‌کند. تفاوت‌های بارز جرم‌شناسی دهه ۱۹۹۰ با جرم‌شناسی دهه ۱۹۲۰ یا ۱۹۵۰ باید ما را از خطرات ناشی از پیش‌بینی‌های بلندمدت آگاه سازد. و چون بودجه‌های تحقیقات جرم‌شناختی را عمدتاً دولت‌ها تأمین می‌کنند، تحولات جرم‌شناسی در جو سیاسی و نوسانات در خلق و خوی عمومی، صورت می‌گیرد. این عامل بیانگر سبک‌هایی است که گهگاه در تحقیقات جرم‌شناسی ظاهر می‌شود و عمدتاً نتیجه اولویتهای تحقیقاتی است که بوسیله مؤسسات تحقیقاتی و سرمایه‌گذاری تعیین می‌شود. تحقیقاتی

#### 1 - Etiology.

۲ - یونگ (Young)، تایلور (Taylor)، و والتون (Walton)، نمایندگان مکتب مارکسیستی جرم‌شناسی، معروف به جرم‌شناسی رادیکال، هستند و معتقدند که جرم‌شناسی باید در جهت لغو نابرابریهای ناشی از توزیع ثروت و قدرت در میان اعضای جامعه گام بردارد. طرفداران جرم‌شناسی رادیکال می‌گویند که بزهکاران نباید تحت اقدامات درمانی - اصلاحی قرار گیرند؛ زیرا آنان بیمار، ناسازگار و منحرف نیستند. بلکه قربانی‌های گزینش خودسرانه پلیس، دستگاه قضایی و به طور کلی عاملان کنترل جرم می‌باشند. به همین علت از مخالفان جرم‌شناسی اثباتی و جرم‌شناسی اصلاح‌گرایانه بوده و وجود یک سیاست جرم‌زدایی وسیع و سیاست عدم مداخله نظام عدالت‌گیری در مورد همه جرایم ارتكابی را امری کاملاً ضروری دانسته و می‌گویند فقط اعمال واقعاً شدید باید به عنوان جرایم قابل مجازات باقی بماند. (م)  
رجوع کنید به:

1. Young, Taylor and Walton; The new criminology, for a social Theory of deviance. London: Routledge and Kegan Paul, 1973.

2. Dermont Walsh and Adrian Poole, A dictionary of criminology. 1983. P.192.

۳ - نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین و حمید هاشم بیگی، دانشنامه جرم‌شناسی؛ چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷، ص ۲۸۴.

که در دهه‌های آتی انجام می‌شود، شکل و قالب جرم‌شناسی آینده را مشخص خواهد کرد. اولویتهای تحقیقاتی آتی است که تا حدود زیادی پیشرفتهای حاصله و شاخه‌هایی از جرم‌شناسی را که این پیشرفتها در آنها به وقوع می‌پیوندد، را تعیین خواهد نمود. این اولویتها شدیداً تحت تأثیر منافع سیاستمداران و سیاستگذاران خواهد بود.

دلایل کافی وجود دارد که سالهای آینده شاهد بر کاهش مداوم و سریع بودجه‌هایی خواهد بود که توسط دولت‌ها برای تحقیقات مستقل اختصاص داده می‌شود. در نتیجه سیاستگذاران، حق اظهار نظر دایمی و تأثیر روزافزون بر حوزه‌های تحقیقاتی و جهت‌یابی تحقیقات خواهند داشت. این امر، به ناچار، به کاهش تحقیقات اساسی و نظری در جرم‌شناسی و افزایش مطالعات کاربردی دقیقاً متمرکز شده، منجر خواهد شد. سیاستمداران و سیاستگذاران تحقیقی را که دارای کاربردهای عملی قطعی و ترجیحاً آنی هستند، مسلماً ترجیح خواهند داد؛ تحقیقی که بلافاصله کارساز بوده و نتایج آن می‌تواند، سریعاً به سیاست یا کارهای سیاسی برگردانده شود یا می‌تواند یک پشتوانه تجربی و عملی را برای اتخاذ تصمیمات سیاسی فراهم آورد. [در نتیجه] احتمالاً تحقیقات مربوط به عدالت جنایی در سالهای متمادی آینده، بیش از پیش عملی، غیر نظری و دارای جهت‌گیری سیاسی خواهد بود.

### بخش اول: تحولات جرم در آینده

از آنجاکه جرم‌شناسی قطعاً دانش جرم است، جرم‌شناسی آینده بشدت تحت تأثیر تحولات آتی در ماهیت و اشکال جرم خواهد بود. ساختار مجرمیت، ابعاد و گرایش‌های آن، در دهه‌های آینده بر جهت‌گیری جرم‌شناسی شدیداً تأثیر خواهد داشت.

جرم یک پدیده پویا و متحولی است، گر چه برخی از جرایم سنتی ممکن است برای قرن‌ها ادامه داشته باشند، [لکن] بسیاری از جرایم امروزی نهایتاً ناپدید گردیده و با اشکال نوظهوری از جرم جایگزین خواهد شد. من شخصاً معتقدم که مهمترین عامل واحدی که در تغییرات بنیادین ماهیت جرم، در قرن بیستم، نقش داشته، اتومبیل بوده است. اما جای تعجب است که مطالعات جرم‌شناختی که نقش ماشین‌ها در دگرگون ساختن بسیاری از انواع جرایم و ایجاد اشکال جدیدی از جرایم مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد، بسیار اندک بوده است.

به احتمال زیاد قرن بیست و یکم به مراتب شاهد دگرگونیهای اساسی‌تر در مجرمیت خواهد بود. این بار تکنولوژی منشأ تغییر و تحول، تکنولوژی کامپیوتر خواهد بود. کامپیوتر ویژگی حیاتی و بسیار مهم زندگی در قرن بیست و یکم به شمار خواهد رفت، همچنانکه اتومبیل در نیمه دوم این قرن [قرن بیستم] چنین نقشی داشته است. کامپیوتر تمامی سطوح و جنبه‌های زندگی را در اکثر نقاط دنیا

شدیداً تغییر داده و قطعاً تحولات عمیقی در ماهیت و انواع جرم به وجود خواهد آورد. در حال حاضر، بدون تردید، رشته‌ای از جرم‌شناسی بیشترین نوید را داراست که تغییرات نامحدود جرایم کامپیوتری را در حال و آینده مثل آثار آینده تکنولوژی کامپیوتر بر بسیاری از جرایم مالی را مورد بررسی قرار دهد. به دلیل تکنولوژی کامپیوتر، جرایم قرن بیست و یکم از جرایم امروزی خیلی متفاوت خواهد بود، و نسل‌های آتی بزهکاران ممکن است شباهات بسیار اندکی نسبت به نسل‌های مجرم در گذشته و حال داشته باشند. بسیاری از آنان احتمالاً تیزهوش، مرفه و باتجربه و آموزش دیده خواهند بود. گرچه تفاوت‌های سنی ممکن است مطلقاً از بین نرود [اما] تفاوت‌های جنسی و نژادی احتمالاً از بین خواهد رفت. عدم تطبیق<sup>۱</sup> با بزهکاران در جامعه امروزی و دوگانگی مرسوم می‌کند که مردم را به دو گروه متمایز - ما مطیعان قانون و آنان، قانون شکنان - تقسیم می‌کند، ممکن است تغییر یابد. چنانچه این امر انجام شود، احتمالاً موجب ایجاد یک دگرگونی مثبت در نگرشها نسبت به مجرمان خواهد شد، مجرمانی که دیگر نه در مقابل ما، بلکه در میان ما و از زمره ما تلقی خواهند شد.

اینکه آیا همه اینها اتفاق خواهد افتاد یا نه، باید منتظر ماند؛ اما چیزی که تقریباً مسلم است اینکه، بیشتر تئوری‌های جرم‌شناسی معاصر متروک و منسوخ خواهد شد. ماهیت متغیر جرم و بافت در حال دگرگون شدن جمعیت بزهکاران ضربه مهلکی بر تئوری‌های جرم که «انحراف<sup>۲</sup> را با «آسیب

#### 1 - The lack of identification.

۲ - انحراف Deviance: دهه ۱۹۶۰ شاهد موج گسترده ابراز علاقه نسبت به مسایل مربوط به انحراف یا کژ روی و بررسی انحرافات بود که هدف اولیه آن، قرار دادن جرم‌شناسی در معرض دید همگان، از طریق ارائه اطلاعات در زمینه مسایلی بود که یا مرتبط با جرم بوده و یا از جانشین‌های احتمالی آن از قبیل الکلیسم، اعتیاد به مواد مخدر، خودکشی، ناهنجاری روانی و همجنس بازی به شمار می‌رفت. سپس مطالعات مختلفی یکی پس از دیگری، در خصوص رفتارهای نادر یا کمیاب به عمل آمد؛ رفتارهایی که اگرچه در اکثر موارد، در قانون لحاظ نگردیده، لیکن از طرف اجتماع با عدم تأیید و سرزنش روبرو می‌شود. تعبیر انحراف به وسیله گروه «در کنفرانس ملی انحراف، نماینده «جرم‌شناسی رادیکال در انگلستان» وارد جرم‌شناسی شده است. «گروه اروپایی مطالعات و تحقیقات درباره انحراف و کنترل اجتماعی» در سال ۱۹۷۳ در ژنو ایجاد شد. در این ارتباط انتشار یک نشریه تخصصی نیز به نام «نشریه انحراف و جامعه» در سوئیس آغاز شد. از دیدگاه «جرم‌شناسی رادیکال، مفهوم انحراف، اعم از مفهوم جرم است. انحراف به مثابه یک رفتار مسأله دار و مسأله ساز - یعنی رفتاری که برای گروه، مسأله یا تعارضی به وجود می‌آورد که باید حل شود - مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. چنین رفتاری به عنوان رفتار انحرافی توصیف می‌شود. زیرا خاستگاه آن ناشی از عدم وجود اعضاء و همدلی نسبت به آن است. به این ترتیب جرم، در کنار الکلیسم، اعتیاد، ولگردی، روسپیگری و خودکشی که در واقع جملگی آنها انحراف محسوب می‌شود، قرار می‌گیرد. (م. ر. ک.)

۱. نجفی ابرند آبادی، دکتر علی حسین و حمید هاشم بیگی؛ دانشنامه جرم‌شناسی؛ چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۷، ص ۱۳۳ و ۱۳۴.

2 - Dermont Walsh and Adrian poole, op.cit. p.69-70.

شناسی<sup>۱</sup>، یکی دانسته و نقطه آغاز بحث آنها را، تفاوت‌های بنیادین فرضی میان مجرمان و دیگر شهروندان می‌داند، وارد خواهد ساخت. اشکال جدید جرم و ویژگی‌های نسل‌های آتی بزهکاران، کمبودها و نقص‌های بیشتر تئوری‌های معاصر را، مخصوصاً تئوری‌های از نوع زیست‌شناختی و روان‌شناختی را، آشکار خواهد ساخت. سقوط این تئوری‌ها با افزایش احتمالی خشونت‌های سیاسی و کاهش خشونت‌های مالی تسریع خواهد شد. چنین تحولاتی نیاز به تئوری‌های جدید جرم‌شناسی را با ابعاد سیاسی به طور جدی مورد تأکید قرار خواهد داد. ممکن است این تئوری‌ها، با وجود شکست نظریه‌های موجود به نتیجه برسد.

## بخش دوم: تحولات حقوق جزا در آینده

وابستگی متقابلی که بین جرم‌شناسی و حقوق جزا وجود دارد، به این معناست که جرم‌شناسی آینده شدیداً تحت تأثیر تغییرات مجموعه قوانین جزایی آینده خواهد بود. گرچه مطمئناً مجموعه‌های قوانین جزایی آینده ماهیتاً از مجموعه‌های قوانین جزایی معاصر متفاوت خواهد بود، اما گفتن اینکه فلسفه اساسی آنها چه خواهد بود، مشکل است.

«نوروال موریس»<sup>۲</sup> معتقد است که حقوق جزای آینده عمدتاً اداری بوده و مجازات را برای نقض مکرر و دائمی مقررات قانونی حفظ خواهد کرد. فلسفه و جهت‌گیری مجموعه‌های قوانین جزایی آینده هرچه که باشد، تقریباً می‌توان پیش‌بینی نمود که آنها مثل مجموعه‌های قوانین جزایی امروز تحت‌الشعاع و سواس فکری ناشی از حق مالکیت نخواهد بود. حقی که «بکاریا»<sup>۳</sup> از آن به عنوان «حق

---

۱ - آسیب‌شناسی «Pathology» یک مفهوم قدیمی مبتنی بر مدل شبه ارگانیک است که به زوایای بیمار و بی‌تناسب یا بدشکل گرفته جامعه (جرم، بیماری روانی، نواحی فقیر نشین، طلاق و غیره) اشاره دارد که مستلزم حذف و سرکوبی و تحقیق در خصوص ریشه‌های روان‌شناختی‌ای است که در ذهن فرد مجرم می‌باشد. دورکیم (۱۹۱۷-۱۸۵۸) در آن دوران، تنها کسی بود که توانست جرم را به عنوان یک پدیده «نورمال» شناخته و تصدیق نماید که عمل «آسیبی، مجرمانه یا ناهنجار» دیروز، عمل «بهنجار و مشروع» امروز است. وی می‌گوید: «در واقع و در بسیاری موارد، وقوع جرم صرفاً پیش‌بینی اخلاق آینده است. گامی است بسوی آنچه که در آینده مشروع خواهد بود.» (قواعد روش جامعه‌شناختی؛ ۱۹۵۰، ص ۸۱) این اصطلاح امروز متروک است. (م) رجوع کنید به:

(Dermont Walsh and Adrian poole, op.c.t.p.156).

2 - Morris, n. (1973). The law is a busy body. Copyright by the new york times CO.(reprinted by World correctional service center.)

۳ - سزار بکاریا (1738-1794). (Ceasar Bonesana Becaria). از حقوق‌دانان و نوآوران قرن هیجدهم میلادی در ایتالیاست. محورهای اصلی اندیشه بکاریا که حاکی از تحول نوین و اساسی در حقوق جزاست، عبارتند از: ۱. اصل قانونی بودن جرم و مجازات؛ ۲. اصل کم بودن تعداد جرایم؛ ۳. اصل سودمند بودن یا ضرورت داشتن کیفرها؛ ۴. اصل قطعیت مجازاتها؛ ۵. اصل تناسب مجازاتها با جرایم. (م)



مزخرف و احتمالاً غیر ضروری، نام برد. [برای مثال] جامعه آمریکای شمالی در قرن بیستم ثروت کلانی بدست آورد و احتمالاً این روند در قرن آتی نیز ادامه داشته باشد؛ بنابراین حتی الامکان دلایلی بر این باور وجود دارد که جامعه آمریکای شمالی در قرن بیست و یکم به مراتب با کامیابی بیشتر، با وفور اشیاء و خدمات، مشخص خواهد شد. در یک جامعه فوق العاده مرفه و ثروتمند قطعاً حق مالکیت خصوصی اهمیت اصلی امروزی خود را از دست خواهد داد. اهمیت نسبی جرایم مالی، که حدوداً ۷۰ درصد کل جرایم را تشکیل می‌دهد، بدون تردید کاهش خواهد یافت و چیزهای دیگری که امروزه ارزان تلقی می‌شوند؛ مثل آزادی و آسایش افراد، حساستر و آسیب پذیرتر خواهد بود. از این پس، چیزهای خیلی با ارزشتر از اشیای مادی به مراتب فراوان خواهد بود.

وظیفه عمده حقوق جزا حمایت از این چیزهای با ارزش و آسیب پذیر خواهد بود. [زیرا] همان پیشرفتهای تکنولوژیکی، هر چه قدر حمایت از دارایی‌های مادی انسان را آسانتر نماید، علیه آزادیها و حقوق بشر تهدیدات بیشتر و بیشتر مطرح خواهد ساخت؛ البته این به آن معنا نیست که جرایم مالی از بین خواهد رفت؛ بلکه به این معناست که جرم مالی الگوی غالب جرایم، بدانگونه که امروز هست، نخواهد بود. جوامعی که جرایم مالی در آنها عمده و قابل توجه نیستند، دو دسته‌اند: [۱] جوامعی که ثروت و دارایی آنها بسیار کم است. [۲] جوامعی که ثروت و دارایی‌شان بسیار زیاد است. سیستم سرمایه‌داری فی‌نفسه، یک سیستم نابرابر و غیر عادلانه است و بعید است که ثروت روزافزون بی‌عدالتی در مکتب و قدرت را از بین برده یا حتی کاهش دهد. [افزایش] ثروت صرفاً به این معناست که فقرا و تهیدستان آینده خیلی فراتر از سطح زندگی بخور و نمیر، زندگی خواهند کرد. و اکثریت غالب مردم نیاز مادی نخواهند داشت؛ اما از آنجا که بی‌نیازی مادی به معنای آزادی از انگیزه‌های مادی نیست (و تجربه جوامع سوسیالیستی دلیل تجربی محکمی بر تأیید این امر است) ارتکاب جرایم مالی با اشکال جدید اما با حجم کمتری ادامه خواهد داشت. تقریباً به طور قطع [می‌توان گفت که] از بسیاری از اشکال متداول جرایم مالی کیفرزدایی<sup>۱</sup> و از شکلهای دیگر حتی ممکن است جرم‌زدایی<sup>۲</sup> شود و بسیاری هم از

۱ - کیفر زدایی «Depenalization» عبارت است از عملیات سیاست جنایی که مشتمل است بر تخفیف کیفر یا حذف آن یا پیشنهاد تناوب بین کیفر و یک اقدام غیر کیفری درباره عمل مجرمانه. کیفر زدایی بدین سان می‌تواند نسبی باشد یا به عکس، مطلق. کیفر زدایی نخستین اقدام اصولی جنبش معاصر برای ترک کیفر است. این جنبش از پایان سالهای ۶۰ و آغاز سالهای ۷۰ در تداوم جنبش ایدئولوژیک آزادیخواهی مطلق به وجود آمد؛ مثلاً در فرانسه به شکلی تجلی کرد که آن را «فکر ۶۸» می‌نامند. جنبش، خود را به عنوان یک موشک سه طبقه معرفی می‌کند که بتدریج در طی زمان گسترده و به پیش می‌رود. اول به صورت «کیفر زدایی»، دوم به شکل «اتهام زدایی» و سرانجام «الغای حقوق کیفری». (م. ر. ک: ریموند، گسن؛ جرم‌شناسی کاربردی؛ ترجمه، دکتر مهدی کی‌نیا؛ چاپ اول، تهران: چاپخانه علامه طباطبائی، ۱۳۷۰، ص ۱۹-۲۰)

۲ - جرم زدایی «Decriminalisation» بر اساس تعریف «هولسمن» عبارت است از: «خارج کردن عمل یا فعالیتی را از

حوزه حقوق جزا به قلمرو حقوق مدنی و اداری منتقل خواهد شد.<sup>۱</sup>

قرن بیست و یکم احتمالاً شاهد گسترش عظیم قوانین فوق الذکر به زیان حقوق جزا بوده و به احتمال زیاد از حقوق جزا به عنوان وسیله‌ای جهت حل و فصل اختلافات کمتر و کمتر استفاده خواهد شد. تحولات آتی مربوط به اشکال کنترل اجتماعی، پایان حبس، بداندگونه که ما امروزه آن را می‌شناسیم، ایجاد ضمانت اجراهای جدید بر مبنای مفاهیم استرداد<sup>۲</sup> و جبران خسارت<sup>۳</sup>، تمایز و تفکیک بین قانون جزا و قانون مسئولیت مدنی<sup>۴</sup> را خیلی کم اهمیت‌تر از آنچه که در حال حاضر می‌باشد، خواهد ساخت و مرزهای بین حقوق جزا و حقوق مدنی در آینده به مراتب تیره‌تر از امروز خواهد بود.<sup>۵</sup>

تغییرات آینده در قوانین جزایی، احتمالاً جرم‌شناسان رادیکال<sup>۶</sup> را از یکی از استدالات بسیار متداول آنان محروم خواهد ساخت؛ آنان دیگر قادر نخواهند بود ادعا کنند که قانون جزا وسیله‌ای است که هدف آن حمایت از منافع قدرتمندان و تضمین استضعاف و تحت سیطره دائمی بودن طبقه کارگر می‌باشد. شاید این امر در مورد مجموعه‌های قوانین جزایی امروزی، که منشأ آنها به عصر اختلافات طبقاتی خیلی بارزتر برمی‌گردد، درست باشد، که بازتاب ارزشهای اخلاقی خواص و نخبگان بوده و از

→ صلاحیت سیستم کیفری که تا آن زمان ضمانت اجرای کیفری داشته است. جنبش جرم‌زدایی یا اتهام‌زدایی از دو دلیل: ۱. تحول اخلاق. ۲. پاسخ به ضرورت‌های عملی، الهام می‌گیرد. تحت تأثیر این جنبش برای مثال در کشور فرانسه به موجب قانون مصوب ۱۹۷۵ از صدور چک‌های بلامحل اتهام‌زدایی شد. (م. ر. ک: (ریموند، گسن، پیشین، ص ۲۰).

1 - Already in the 1970s a government commission in sweden recommended that minor property offences be depenalised (see Asplin, 1975).

2 - Restitution.

3 - Compensation.

4 - Law of tort.

5 - Fattah.E.A.(1992). Beyond Metaphysics: the need for a new paradigm- on actual and potential contributions of criminology and the social sciences to the reform of the criminal law. In R. lahti and K. Nuotio (eds) criminal law theory in transition Helsinki: finish publishing company.

۶ - جرم‌شناسی رادیکال (Radical criminology)، (یا جرم‌شناسی جدید، بنیادگرا، انتقادی) مبتنی بر این اصل است که در یک رژیم سرمایه‌داری، جامعه فرا صنعتی از خود بیگانه کننده و ناعادلانه است. این شاخه از جرم‌شناسی معتقد است که جرم، از خودکامگی دولتها ناشی می‌گردد و مکاتیسیم «برچسب زنی»، پلیسی و قضایی نسبت به افراد، به ضرر طبقات زحمتکش عمل می‌کند. جرم‌شناسان رادیکال می‌گویند، جرم‌شناسی باید در جهت لغو نابرابریهای ناشی از توزیع ثروت و قدرت در میان اعضای جامعه گام بردارد. این جرم‌شناسان اثبات‌گرایی و جرم‌شناسی دارای جهت‌گیری اصلاحی «Correctionally oriented criminology»، را رد کرده و معتقدند مبنای انحراف، واکنش فرد نسبت به فشارهای اقتصادی است. آنان تعریف مضیق جرم را رد کرده و قائل به یک تئوری عمومی از انحراف هستند. این تئوری عمومی اثرات رفتاری هم‌زیستی نظامهای ارزشی بسیار متنوع را در یک جامعه و واکنش فرد را نسبت به ساختارهای اجتماعی متنوعی که رفتار فرد را تنظیم می‌کنند، بررسی می‌کند. (م. ر. ک:

،Dermont Walsh and Adrian pool. o.p cit. p.192،

منافع طبقات بالای جامعه حمایت می‌نمایند؛ اما قوانین جزایی آتی احتمالاً [با قوانین جزایی کنونی] تفاوت خواهد داشت. ارزشهای مورد حمایت این قوانین، نه ارزشهای مربوط به طبقه خاصی از اجتماع، بلکه ارزشها و قواعد عالی‌تری بوده و دارای ماهیت جهانی خواهد بود.

در جامعه‌ای که دچار وسواس فکری ناشی از جستجوی دایمی ثروت و اشیای مادی می‌باشد، حمایت از اموال یکی از مهمترین وظایف قانون جزاست؛ اما تهدید عمده جامعه آینده، آنگونه که امروزه هست، تجاوز به حقوق مالکیت و اموال نخواهد بود. این تهدید در مقایسه با تهدیدات ناشی از تکنولوژی‌های هسته‌ای و سایر تکنولوژی‌ها اهمیت خود را از دست خواهد داد. وحشت مردم در آینده از این نخواهد بود که اموال آنها به سرقت رفته یا از منازل آنان هتک حرمت خواهد شد. [چون] سیستمهای امنیتی بسیار پیشرفته و برنامه‌های کاملاً همگانی بیمه از آنها حمایت خواهد کرد. ترس عمده آنان از حوادث ناگوار و مهم محیطی<sup>۱</sup>، ترور یسم‌های هسته‌ای یا بیولوژیکی<sup>۲</sup> و تکنولوژیهای ژنتیکی، که می‌تواند نژاد انسانی را بکلی نابود کند، خواهد بود.

[البته] ترسهای دیگر و کم اهمیت‌تر از ترسهایی که به وسیله پیشرفتهای تکنولوژی ژنتیکی، مهندسی ژنتیکی و دستکاری در جنین آدمی ایجاد می‌شوند، وجود خواهد داشت. بخش عمده قوانین جزایی در آینده، باید به قلمروهایی که قبلاً در مورد آنها قوانینی وضع نشده است؛ نظیر پیوند اعضا<sup>۳</sup>، فروش اعضا<sup>۴</sup>، تلقیح مصنوعی<sup>۵</sup>، باروریهای لوله‌های آزمایشی<sup>۶</sup> و بانکهای ژن و اسپرم<sup>۷</sup>، اجاره رحم<sup>۸</sup> و بسیاری دیگر از مسائل مربوط به دستکاری در تولید مثل آدمی اختصاص یابد. براحتی می‌توان تصور نمود که تبیین اشکال جدید مجرمیت با استفاده از تئوریهای قدیمی و متروک جرم‌شناسی، که در طول قرن بیستم، توسعه یافته، چگونه مشکل خواهد بود. آنچه که ذکر آن در اینجا حایز اهمیت است، این است که منافع مادی که در حال حاضر، قوانین جزایی بر آنها متمرکز است، جای خود را به ارزشهای اخلاقی برتر خواهد داد. منافع بشر به طور کلی، نه منافع طبقه خاص، اصول راهنمایی را برای حقوق جزای آینده فراهم خواهد آورد.

بنابراین انتظار می‌رود که جرم‌شناسی آینده، همچنانکه آقای «والانز»<sup>۹</sup> پیش بینی نموده، با ارزشهای بیشتر در ارتباط باشد و از این رو بتدریج از گستره هدف تجربی و علمی به سوی اهداف ارزشی و

1 - Environmental catastrophes.

2 - Nuclear or biological terrorism.

3 - Organ transplants.

4 - Organ sales.

5 - Artificial insemination.

6 - Test tube Fertilizations.

7 - Gene and sperm banks.

8 - Uterus rental.

9 - Wollan.L.A.Ir.(1980).After labeling ond conflict:An ospect of criminology's next chapter. In j.A Inciordi(ed), Radical criminology\_ the coming crises. pp. 287-98 Beverly Hills R<sub>o</sub> CA:sage.

### بخش سوم: تحولات آتی در واکنش اجتماعی نسبت به جرم

از آنجا که مطالعه واکنش اجتماعی در قبال جرم و انحراف بخش مهمی از جرم شناسی را تشکیل می‌دهد، انتظار اینکه تحولات در این واکنش اجتماعی تأثیر بسزایی بر جرم‌شناسی آینده خواهد داشت، منطقی به نظر می‌رسد. واکنش اجتماعی در قبال جرم یک اصطلاح کلی است که در برگیرنده اجزای متعددی نظیر نگرش جامعه نسبت به جرم و انحراف<sup>۱</sup>، فلسفه کیفری جامعه<sup>۲</sup>، اشکال رسمی و غیر رسمی کنترل اجتماعی<sup>۳</sup>، ضمانت اجراهای کیفری<sup>۴</sup> علیه قانون شکنان و غیره می‌باشد. روشهای برخورد با انحراف بستگی به برداشت انسان از انحراف و علتهای آن دارد. [و] تفسیر انحراف هم تابع اصول و معیارهای فکری یک جامعه در زمان خاصی می‌باشد. تاریخ نگرشهای اجتماعی سه مرحله متمایزی را نشان می‌دهد: مرحله مرموز جلوه دادن انحراف<sup>۵</sup>، مرحله جرم انگاری<sup>۶</sup> و مرحله طبی انگاری انحراف<sup>۷</sup>.

مرموز انگاشتن انحراف، به عصری مربوط می‌شود که تفسیرها و برداشتهای غیبی و دیو شناختی غالب بود. [در این دوران] انحراف با توجه به نوعی نیروی غیبی و جنّ توجیه می‌شد. در جوامع ابتدایی و روح‌گرای ما قبل تاریخ، عقیده بر این بود که انحراف اثر ارواح خبیثه یا نیروهای شیطانی است. در عصر خداشناسی شیطان و اهریمن را مسئول انحراف تلقی نمودند. هدف مجازات، همچنانکه آقای پفل<sup>۸</sup> خاطر نشان می‌سازد، «پاکسازی بدن گناهکار از آثار شیطان و بدینوسیله اعاده رابطه مناسب هیأت جامعه به عنوان یک کل، با خدا بود»<sup>۹</sup>.

عصر روشنگری باعث ایجاد یک تحول عمده در اصول کلی فکری و در نتیجه در نگرشها نسبت به انحراف گردید. نگرش به انسان به عنوان موجودی معقول، منطقی، لذت‌گرا<sup>۱۰</sup> و دارای اراده آزاد، به

- 
- 1 - Society,s attitude to crime and deviance.      2 - Society,s penal philosophy.  
3 - Modes of formal and informal social control.  
4 - Criminal Sanctions.      5 - The mystification of deviance.  
6 - The criminalization of devian ce.      7 - The Medicalization of deviance.  
8 - Pfohl,s.j.(1985)Images of Deviance and social control. New york: McGrowhill.p.25.

۹ - در این دوران چون عقیده بر این بود که در اثر حلول ارواح خبیثه و شیاطین بر بدن انسان وسوق دادن او به طرف انحراف - رابطه فرد با خدا قطع می‌شود، لذا برای اخراج این ارواح خبیثه از بدن بزهکار و برقراری مجدد رابطه حسنه فرد و جامعه با خدا، او را به شدیدترین وجه مجازات می‌کردند.(م)

این معنا بود که با ترس ناشی از مجازات انسانها را می‌توان از انحراف بازداشت. نتیجه منطقی چنین تفکری، یعنی جرم‌انگاری انحراف، وادار نمودن بزهکاران بالقوه، از طریق تهدید ناشی از ضمانت اجراهای کیفری به سازگاری و تبعیت از قوانین بود.

اثبات‌گرایی<sup>۱</sup> و پیشرفتهای علم پزشکی و روانپزشکی موجب ایجاد تحول دیگری در تعبیر انحراف و نگرشها نسبت به آن گردید. انحراف دیگر نه به عنوان یک پدیده قانونی<sup>۲</sup> بلکه به عنوان بیماری محسوب گردید و رفتارهای انحرافی دارای معانی طبی و پزشکی گردید. همچنین نگرش به انحراف به عنوان یک پدیده آسیب‌شناختی<sup>۳</sup> به معنای چرخش از مجازات به طرف درمان بود، یعنی ورود مفهوم درمان به قلمرو سیاست جنایی و خروج مجازات از آن بود.<sup>۴</sup>

طبی‌طلقی نمودن انحراف و پیدایش درمان را به سهولت می‌توان از سخن زیر که از آقای «جورج ایپس»<sup>۵</sup> نقل شده، ملاحظه کرد:

«در آینده، وقتی که دادگاهها زندانی را محکوم می‌کنند، او (زندانی) به منظور تحمل یک مجازات غیر عادلانه و احمقانه، به تنهایی فراموش نمی‌شود. [در سلولهای انفرادی حبس نخواهد شد.] او بیشتر از هر بیمار دیگر، در حقیقت، مجازات نمی‌گردد. با وجود این، ممکن است مجبور باشد تا یک دوره درمانی را که بنا به اقتضای طبعش ممکن است متفاوت باشد، سپری کند. اعمال این دوره درمانی هم

---

۱ - اثبات‌گرایی «Positivism» به مفهوم استفاده از روش علمی برای بررسی و تبیین علل و ماهیت جرم و رفتار مجرمانه است. تلاشهای مربوطه، با انسان سنجی جسمانی (اندازه‌گیری اندامها) و نوع سنجی بدنی آغاز شده و با آزمایشات روانی و مطالعات ترسیمی ادامه یافت و به وسیله طرحهای مربوط به طبقه بندی، آزمایش فرضیات و تحقیق در خصوص علل وقوع جرم به ساده‌ترین روش قابل تشخیص است. اثبات‌گرایی به طور وسیعی مورد انتقاد قرار گرفته است (مخصوصاً به وسیله تابلور، یونگ و والتون در کتاب «جرم‌شناسی جدید» ۱۹۷۳). منتقدان چنین استدلال می‌کنند که مسایل مورد بحث پوزیتوسیم (اصطلاحاتی نظیر «مجرم» و تعابیری که برای انواع مختلف جرایم و مجازات‌ها و آمارهای مربوط به آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد)، واقعیت‌های علمی نیستند. و مطالب مناسبی برای مطالعه علمی به شمار نمی‌روند. لیکن نشانه‌های با ارزشی (به طور نسبی نه مطلق) هستند که پدیده‌هایی را که با دگرگونی جامعه (و نیز به نوبه خود با قانون) تغییر می‌کنند، در بر می‌گیرد. بنابراین با آنکه از طریق استفاده از روشهای علمی می‌توان به «پاسخهایی» دست یافت، لیکن این پاسخها دارای ارزش واقعی نیستند، چرا که عوامل متعددی را که شدیداً بر ارتکاب جرم تاثیر می‌گذارد، در نظر نمی‌گیرند. (م. ر. ک):

(Dermont walsh and Adrian pool, op.cit.p.170)

2 - Legal entity.

3 - Pathological phenomena.

4 - Kirttrie,N.N.(1971). the right to be different: Deviance and enforced therapy. Baltimore, MD: penguin.

5 - Ives.G.(1914).A history of penal Methodes. london:S.paul & co.p 355.

ممکن است برای او رنج آور باشد یا نباشد.

مرحله بعد [در نگرش به انحراف] چه خواهد بود؟ من معتقدم ما بتدریج به عصری نزدیک می‌شویم که مشخصه آن روان‌نگاری و مدارا با انحراف خواهد بود. جوامع همگن و تک فرهنگی، تا حدودی مربوط به گذشته هستند. [امروزه] صنعتی شدن [جوامع]، شهر نشینی و وسایل جدید نقل و انتقال، وسایل ارتباط جمعی منجر به شکسته شدن مرزهای، نه جغرافیایی، بلکه فرهنگی گردیده است. آنها باعث گسترش بی‌سابقه موجهای مهاجرت و جا به جایی بی‌نظیر جمعیت و عدم تجانس و همگونی شده‌اند. روند در حال کاهش نرخ تولد در جوامع صنعتی غرب، در دهه‌های آتی، علی‌رغم استفاده از آدمکهای مصنوعی، وارد کردن شمار زیادی از کارگران خارجی را اجتناب ناپذیر خواهد ساخت. بدین ترتیب جامعه آینده از نظر اخلاقی و فرهنگی به مراتب نامتجانس‌تر از امروز خواهد بود. خصوصیت عمده این جامعه در آینده تنوع فوق‌العاده فرهنگی و انسانی، کثرت ادیان، آداب و رسوم، سنتها و اخلاقیات خواهد بود.

در یک چنین جامعه‌ای، انحراف خیلی آشکار و قابل توجه نبوده و مستلزم واکنش جدی و دستورات شدید برای انطباق نخواهد بود. تنوع [فرهنگها، اخلاق، ادیان، آداب و رسوم و ...] سطوح تحمل انحراف را افزایش خواهد داد. علاوه بر این یکی از حقوق اساسی که مطرح گردیده و سرانجام از طرف جامعه آینده به رسمیت شناخته می‌شود، حق اختلاف و متفاوت بودن خواهد بود. و در نهایت رویای تیلور، والتون و یونگ<sup>۱</sup> در مورد «جامعه‌ای که در آن واقعیت‌های مربوط به تنوع انسانی اعم از شخصی، ارگانیک یا اجتماعی نباید موضوع جرم قرار گیرد» احتمالاً تحقق خواهد یافت. تحمل انحراف باعث جرم‌زدایی و کیفرزدایی وسیع از بسیاری از رفتارهایی که هنوز هم موضوع قوانین کهنه و قدیمی هستند، خواهد شد. با وجود این، این امر تحولی است که به زمان طولانی نیاز دارد. در آینده نزدیک طرز برخوردها نسبت به جرم و انحراف به عنوان تابعی از سیاست و وضعیت اقتصادی بین‌خشن و ملایم بودن و بین‌کیفری و قابل‌گذشت بودن، در نوسان خواهد بود. ما می‌دانیم که ناامنی اقتصادی و بحرانهای اقتصادی چه آثار منفی بر دیدگاههای عمومی نسبت به مجرمان و مجازات‌ها خواهد داشت. همچنین نگرشها تحت تأثیر رسانه‌های گروهی<sup>۲</sup> و جنبشهای متعدد اجتماعی نظیر «پاپولیسم»<sup>۳</sup> و «فمینیسم»<sup>۴</sup> خواهد بود.

1 - Young, Taylor and Walton, op.cit.p.282.      2 - Media.

۳ - عوام‌گرایی (populism) سنتی سیاسی است که بویژه در آمریکای لاتین رواج دارد؛ گویا اینکه جنبشهای گوناگون اروپا

سخن گفتن در مورد اینکه آیا پاپیولیسم نیروی سیاسی عمده‌ای در قرن بیست و یکم خواهد بود، مشکل است. هیچ سوابقی که با استفاده از آنها بتوانیم بر نقش توده مردم عوام در جامعه بسیار تکنولوژیک و فوق صنعتی آگاه شویم، وجود ندارد. از طرف دیگر، فمینیسم هم دارای مقبولیت عام بوده و تداوم پیدا می‌یابد. در یک دوره نسبتاً کوتاه زمانی، فمینیست‌ها در ایجاد تحولات مهم در نگرشهای اجتماعی نسبت به جرایم جنسی، بویژه، زنا‌ی به عنف، خشونت خانوادگی، تبعیض علیه زنان و غیره موفق بوده‌اند. تحول در نگرشها زمینه را برای تغییرات در قوانین جزایی و رویه‌های عدالت جنایی در بسیاری از حوزه‌ها فراهم کرد.

جنبشهای عوام‌گرایانه به بازسازی، تقویت یا تحول نگرشهای قطعی، کمک کرده‌اند. جنبش بزه‌دیده‌شناسی<sup>۵</sup> نیز در جلب توجه به گرفتاری قربانیان جرایم و ایجاد تحول در قانون و سیستم

---

→ و امریکای شمالی (سوسیالیسم ملی و مک‌کارتی ایسم) نیز عوام‌گرا یا عامه‌گرا توصیف شده‌اند. در هر جنبش عوام‌گرایانه، توده‌های تهیدست جامعه بر ضد نهادهای موجود کشور بسیج می‌شوند. اما عنان روانی آنها خیلی محکم در دست رهبری فرمند است. عوام‌گرایی گویا ایدئولوژی دقیق یا منطقاً منسجم و هماهنگ ندارد بلکه معجونی است از نگرشها و ارزشهایی که به نیت جذب اعضای مطرود و محروم جامعه انتخاب شده است تا آتش خشم آنان را بر ضد حاکمان موجود برافروزد. بی آنکه برای رهبران چنین جنبشی در مورد انجام اصلاحاتی مشخص تعهد ایجاد کند. شعارهای عوام‌گرایانه بیشتر تافته‌ای است که تاروپود آن از افکار جناحهای چپ و راست تشکیل شده است با تاکید بسیار بر رهبری از یک سو، و برابری همگانی از سوی دیگر، و غالباً در برابر آزادیهای مدنی رایج موضعی بسیار مستبدانه دارد و آن را بر نمی‌تابد. شاید مهمترین عوام‌گرای بعد از جنگ جهانی دوم پرون در آرژانتین باشد. او بیش از اینکه حمایت وسیع توده‌ها را به دست آورد و در ۱۹۴۶ خود را به ریاست جمهوری برساند، یکی از رهبران کودتای نظامی ۱۹۳۴ بود. پرون مانند همه سردمداران جنبشهای پاپیولیستی، عملاً فاشیسم ایتالیا را مطالعه و ستایش می‌کرد. شاید نزدیکترین نمونه به جریانهای سیاسی دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رهبر جبهه ملی فرانسه ژان ماری لوپن (Jean - Marie. le pen) باشد. (م)

رک: دیوید رابرتسون؛ فرهنگ سیاسی معاصر؛ ترجمه مهندس عزیز کیاوند؛ چاپ اول، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۵، ص ۲۲۰.

۴ - فمینیسم؛ «feminism» جنبشی است که می‌گوید: زنان در جامعه مدرن به طور سیستماتیک و به حکم ماهیت نظام حاکم مورد تبعیض و ستم قرار می‌گیرند. و طرفدار برابری حقوق اجتماعی - سیاسی زن و مرد می‌باشد. (م)

رک: نیکلاس ابرکرامبی و دیگران؛ فرهنگ جامعه‌شناسی؛ ترجمه حسن پویان. چاپ دوم، تهران: انتشارات چاپخش، ۱۳۷۰، ص ۱۵۵.

۵ - در سال ۱۹۴۸، فوق هنتیگ (Von Hentig) کتابی تحت عنوان «بزهکار و قربانی او» در انتشارات دانشگاه ییل آمریکا چاپ و منتشر نمود. وی در اثر خود، مفاهیم «بزهکار - بزه دیده»، «بزه دیده پنهان» و «رابطه خاص بزهکار - بزه دیده» را مطرح نمود. در همان زمان، مندلسون (Mendelson) بزه دیده‌شناسی را در قالب یک رشته مطالعاتی عمومی سازمان داد که قلمرو آن از قلمرو جرم‌شناسی فراتر رفته و به قربانیان غیر نظامی سیاسی، نژادی و مذهبی نیز تعمیم داده می‌شد. در واقع وی «قربانی‌شناسی» به معنای عام کلمه را مطرح نظر داشت و نه بزه دیده‌شناسی یا مجنی علیه‌شناسی را به معنای خاص حقوق جزا. مفهوم «بزهکار - بزه دیده» به مواردی اشاره دارد که فرد می‌تواند طی آنها - بر حسب اوضاع و احوال - بزهکار یا بزه دیده شود. این موضوع ممکن است به صورت متوالی صورت گیرد. (مثلاً کودکی که مورد ضرب و شتم واقع شده و مورد آزار و اذیت قرار گرفته، به یک بزهکار تبدیل می‌شود) یا اینکه موضوع ممکن است به طور همزمان

قضای موفق بوده است. این جنبش در ایجاد و ارایه خدمات به قربانیان جرایم تعیین کننده و بسیار مؤثر بوده است. یک گروه [از قربانیان] MADD (مادران در مقابل رانندگان مست) را می توان از طریق ایجاد تغییرات قانونی، قضایی و بینشی نسبت به رفتار خاصی از رانندگی توأم با نقص فنی تأمین اعتبار نمود.

سایر گروهها، از سوی دیگر، نه عامل تحول بلکه باعث توقف، انسداد یا تأخیر در تحول بوده اند. جنبش تکثیر نسل<sup>۱</sup> با هر گونه تلاشی در راستای مدرنیزه کردن قوانین مربوط به توقف بارداری مخالفت کرده است. دلالتان اسلحه<sup>۲</sup>، در ایالات متحده آمریکا مقاومت کرده و با موفقیت از بسیاری از تلاشها در راستای کنترل مؤثر اسلحه، ممانعت کرده اند. بنیادگرایان دینی جهت باطل کردن گرایشات لیبرالیستی دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، گاه با موفقیت و یا بدون موفقیت، سخت تلاش کرده اند و به سانسور نمودن اخبار و گزارشها روی آورده اند.

تئوریهای بنیادینی که پدیده قدرت یکی از عناصر اصلی آنهاست، جهت در نظر گرفتن تغییر در موازنه قدرت از نخبگان به توده مردم، نیاز به بازنگری خواهند داشت، مفهوم نفع اقتصادی نیز، نیازمند بررسی مجدد خواهد بود. [برای مثال] منافع اقتصادی انجمن ملی ریفل<sup>۳</sup> چشمگیرتر از آن است که نادیده گرفته شود؛ با وجود این، اینکه منافع اقتصادی بتنهایی، نیروی محرک گروههایی نظیر گروههای قربانیان، گروههای طرفدار تکثیر نسل و انجمنهای حمایت از آزادی زنان باشد، محل تردید است.

→ صورت گیرد. (مثلاً کتک کاری، یا جرایم راهنمایی و رانندگی که در این موارد، فرد هم بزهکار است و هم بزه‌دیده). مفهوم بزه‌دیده پنهان یا بالقوه، که با مفهوم بزه‌دیده مادرزادی تفاوت دارد، بر استعداد فرد در قربانی و مجنی علیه شدن تأکید دارد. (مانند تمایلات خود آزاری). مفهوم روابط خاص بزهکار - بزه‌دیده شامل روابط متقابل بین مجرم و مجنی علیه می‌گردد (مانند روابط زن روسپی و فرد حامی و هوادار او یا روابط فرزند و پدر در پدرکشی). بدین سان مجنی علیه یک رکن و عنصری حیاتی در وضعیت مستعد ارتکاب جرم، بویژه در وضعیتهای خاص محسوب می‌شد. جنبش بزه دیده شناسی یا مجنی علیه شناسی موجب گردیده است تا قانونگذاران در سیاست تقنینی خود مسأله جبران خسارت وارده به بزه دیدگان را مورد توجه قرار دهند. این مسأله امروزه به موارد جبران خسارت از قربانیان بازداشت‌های موقت غیر موجه یا قربانیان اشتباهات قضایی نیز تسری داده شده است. (م. ر. ک: نجفی ابرندآبادی. دکتر علی حسین و حمید هاشم بیگی، پیشین، صص ۳۴۸-۳۴۶.

1 - Pro - Life - movement.

2 - Gun lobbies.

۳ - انجمن ملی تفنگ داران آمریکا (National rifle association) انجمنی است در ایالات متحده آمریکا که توسط دپارتمان جنگ اداره می‌شود. بیش از ۱۰۰۰ گروه تفنگدار در ایالات متحده وجود دارد که به این انجمن پیوسته‌اند. هدف انجم بالا بردن مهارت در تیراندازی است. (م. ر. ک:

The encyclopedia American, volume xxIII, American corporation, 1963. p.517.



## بخش چهارم: تحولات آتی در مجازات مجرمان

تحول مجازات یک موضوع دردناک و در عین حال جالب است؛ به این دلیل که این سیر تحول نه تنها قساوت و بی‌رحمی انسان را نسبت به انسان دیگر به اثبات می‌رساند، بلکه مؤید این ادعای دورکیم نیز است که می‌گوید: تاریخ مجازات، تاریخ لغو همیشگی است. این تحول به ما این اطمینان خاطر را می‌دهد که مجازات صرفاً گذشته دارد نه آینده. تاریخ به ما می‌آموزد که هیچ مجازاتی دایمی، خالی از نقص و حتمی نیست. به نظر می‌رسد همه مجازات‌ها بعد از تأمین اهداف فرضی خود از بین رفته‌اند و جامعه، آن موقع قایم مقام‌های مناسب‌تری را برای آنها یافته است. به استثنای مجازات اعدام، مجازات‌های قدیمی در جوامع مدرن و متمدن از بین رفته‌اند؛ به زنجیر کشیدن بزهکاران<sup>۱</sup>، پرت کردن آنان به آب و غلط دادنشان بوسیله صندلی‌های چوبین<sup>۲</sup>، تیرهای شلاق زنی<sup>۳</sup>، دهان دوختن‌ها<sup>۴</sup>، داغ کردن‌ها<sup>۵</sup>، قاپوق‌ها<sup>۶</sup>، پوشاندن لباس‌های سرخ رنگ منقش به حروف A بر زناکاران<sup>۷</sup> تنها در کتاب‌های تاریخی، رمان‌ها و موزه‌های هولناک یافت می‌شود.

مجازات اعدام به دلایلی از تحولات اجتماعی دور مانده و هنوز هم در مجموعه‌های قوانین جزای بسیاری از کشورها به عنوان یک مجازات قدیمی، یادگاری از گذشته و اثری از دوران باستان باقی مانده است. علی‌رغم مقاومت مجازات اعدام، تحولات اجتماعی و کیفی نشانگر محدود بودن عمر آن است. لغو کامل مجازات اعدام زمانی فرا می‌رسد که حرمت و ارزش حیات انسانی به مرحله‌ای برسد که استفاده از مجازات اعدام به عنوان یک نوع ضمانت اجرای کیفی، امری بر خلاف انسانیت و اخلاق تلقی شود. حرمت روزافزون بدن انسان در قرون هیجدهم و نوزدهم بود که موجب برداشته شدن مجازات‌های بدنی [نظیر] نقص عضو و قطع اعضای بدن از زرادخانه ضمانت اجرای کیفی گردید.

لغو مجازات‌های حبس احتمالاً به زمان بیشتری از مجازات اعدام نیاز خواهد داشت. با وجود این، قطعاً از بین خواهد رفت. عوامل متعددی، که کم‌اهمیت‌ترین آنها هزینه‌های مدام در حال افزایش می‌باشد، در خاتمه دادن به عمر مجازات حبس سهیم خواهند بود. تحقیقات مستمر در مورد کارایی زندانها، به عنوان یک وسیله بازدارنده، احتمالاً دلیل تجربی محکمی را که نشانگر عدم موفقیت زندانها

1 - Bilboes.

2 - Ducking stool.

3 - Whipping post.

4 - Brank.

5- Stock.

6- Pillory.

۷ - Scarlet letter نوعی لباس‌های سرخ رنگ منقش به حرف A بودند، این لباس‌ها که معرف زناکاری بزهکاران بود، به منظور رسوایی و مجازات مجرمان بر نشان پوشانده می‌شد.(م)

در ایفای نقش عمده‌شان است، فراهم خواهد ساخت. در آینده ارزش حریت و آزادی انسان آنقدر مهم خواهد بود که جامعه مجازات مردم را از طریق محروم کردن آنان از یکی از حقوق اساسی و غیر قابل جایگزین‌شان، (حبس) بسیار ناپسند و مکروه خواهد یافت. با توجه به آنچه که گفته شد، در جامعه آینده، تقریباً نیازمند مجازات حبس نخواهیم بود. همچنانکه آقای «نیلز کریستای<sup>۱</sup>» تا حدودی سه دهه پیشین را [چنین] پیش بینی نمود: «در عصر الکترونیک اعمال کنترل موثر بر مجرمان کیفی در خارج از زندانها ممکن خواهد بود. قائم مقامهای ارزان تر، ساده تر، و به عقیده بسیاری، انسانی تر برای حصارهای زندان بوسیله فرستنده‌های رادیویی که به مجرمان متصل است و از طریق موضع یاب‌های رادیویی و گزارشهای تلفنی مجرمان به دستگاههای کنترل کننده که توأم با امکانات تجزیه و تحلیل صدا هستند و غیره و غیره، فراهم خواهد شد. وادار کردن مجرمان به اقامت در یک منطقه جغرافیایی معین به گونه‌ای مؤثر و مفید انجام خواهد شد که نیازی به اقامت در زندان نخواهد بود.»

آنچه که شبیه سناریوی «ارول<sup>۲</sup>» به نظر می‌رسد اکنون با ماست. بسیاری از این جانشینهای الکترونیکی حبس اکنون در ایالات متحده و کانادا مورد استفاده قرار می‌گیرد و در کشورهای اروپایی نظیر هلند شناخته می‌شود. این پیشرفت نشانگر طلوع یک عصر جدید در تاریخ تحول کنترل اجتماعی است؛ عصری که کنترل تکنولوژیکی انسان و رفتارهای وی یک رویه متعارف و شایع خواهد بود. در جامع بسیار تکنولوژیک آینده جاذبه‌های استفاده از این شیوه‌های کنترل غالب بوده و هزینه‌های آن در مقایسه با هزینه‌های زندان بسیار کم خواهد بود. خطرات اجتماعی احتمالاً کاهش یافته و ایرادات اخلاقی مقهور و مغلوب خواهد بود. در قرن هیجدهم محروم کردن مردم از آزادی [حبس] انسانی تر از مجازاتهای بدنی توجیه می‌شد و کنترل تکنولوژیکی انسانها در قرن بیست و یکم انسانی تر از حبس تلقی خواهد شد.

تجسم دستگاه کنترل دولتی در آینده تا حدودی هولناک است. بدون تردید اشکال جدیدی از تروریسم، هم تروریسم سیاسی و هم شورشی به وجود خواهد آمد. تروریسم دومی را تداوم بی‌عدالتی‌های اجتماعی و سیاسی که خشونت را پرورانده است، به راه خواهد انداخت. تروریسم شورشی به دلیل تهدیدی که نسبت به حاکمیت دولت و مشروعیت قدرت ایجاد می‌نماید، برای

1- Nils Christie(1968:172)

2- جورج ارول (George Orwell)، یکی از رمان نویسان معروف بریتانیایی است که در سال ۱۹۰۳ در ایالت Motihari هند متولد شده و در ژوئن ۱۹۵۰ در لندن وفات یافته است، از مهمترین آثار او می‌توان به «Animal farm»، «Burmese days»، «Out in paris and london» اشاره کرد. (م)

همیشه واکنش شدید و جدی دولت‌ها را فراهم می‌کند. حوادث اخیر در این زمینه بسیار آموزنده است. خطر قربانی شدن یک شهروند آمریکایی، یا کانادایی یا بریتانیایی به وسیله اعمال یک تروریست، وقتی به طور عینی و در مقایسه با سایر خطرات زندگی مدرن یا ... سنجیده می‌شود، بسیار ناچیز و کم اهمیت است. با وجود این، به دلیل گزارش‌های جوسازی شده رسانه‌های گروهی، این خطر، خطر بزرگ و چشمگیر نشان داده می‌شود. سیاستمداران، به نوبه خود، از این ترس برای ایجاد یک فضای پر تشنج به منظور توجیه نمودن تمامی انواع اقدامات توقیفی، سرکوبی و ظالمانه که تحت لوای مبارزه با تروریسم انجام می‌شود، استفاده می‌کنند. نتیجه آخر توسعه کلان تجهیزات کنترل دولتی است. تهدیدات جدی که این توسعه به حقوق و آزادی‌های بشر، ایجاد می‌نمایند واضح‌تر از آن است که نیاز به توضیح داشته باشد. یکی از خطرات، گسترش اقدامات ضد شورشی از جرایم سیاسی به جرایم عمومی، از خشونت‌های سیاسی به خشونت‌های معمولی، از گروه‌های مخالف حکومت به جرایم سازمان یافته و از فعالیت‌های سیاسی به قاچاقچیان مواد مخدر می‌باشد.

یک سناریوی هولناک برای آینده، سناریویی است که نشانگر «جامعه‌ای آنچنان مرتبط با امنیت فیزیکی است که در معرض تهدید جدی ناشی از تضعیف تدریجی دموکراسی اجتماعی که خواهان حمایت از آن بوده، می‌باشد.»<sup>۱</sup> بر اساس این سناریو دموکراسی‌های غربی به آرامی و بتدریج، در نتیجه برداشته شدن تدریجی محدودیتهای قانونی دولت در اعمال قدرت به «حکومت‌های پلیسی بزرگ هم مسلک»<sup>۲</sup> تغییر شکل خواهند داد. محدودیتهایی که حکومت پلیسی را از حکومت قانونی متمایز می‌گرداند.<sup>۳</sup> بر اساس نظر «کبلر» مشخصه چنین حکومت‌های پلیسی بزرگ هم مسلک، این خواهد بود که برخوردهای پلیس به تمامی قلمروهای زندگی اجتماعی تسری یافته و نگرشی که تحت الشعاع مفاهیم «امنیت» و «نظم» است، عمومیت خواهد یافت. کبلر<sup>۴</sup> از یک چنین حکومت پلیسی تصویر زیر را، ترسیم می‌نماید:

«مفاهیمی که از تئوری و متدهای پلیس سرچشمه می‌گیرد، در جهت‌دهی یا قلع و قمع درگیریهای سیاسی به کار گماشته می‌شود. این مفاهیم شامل «نظم»<sup>۵</sup>،

1- Anony mous blurb on Sebastian cobler,s (1978) book cover.

2- Big brother police states.

3 - Cobler,s,(1978). law,order and politics in westGermany. Harmond sworth, England: penguin, p. 143.

4 - Ibd.p.146.

5- Order.

«دستورات<sup>۱</sup>»، «امنیت<sup>۲</sup>»، «اطاعت<sup>۳</sup>» و «پیشگیری<sup>۴</sup>» می‌باشد. استراتژیهای پلیس با مدیریتهای متعارض و مختلف جهت دفاع از «بهنجاری<sup>۵</sup>» در مقابل هر نوع رفتار سیاسی انحرافی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نهادهای پلیسی منحصرأ در تعقیب منطق مبارزه علیه دشمن، تعریف می‌کنند که «نظم» چیست و چه کسی آن را «می‌شکند»؟

پیشرفتهای بزرگ در کامپیوتر و تکنولوژی نظارت به ظهور حکومت پلیسی بزرگ هم مسلک کمک کرده، و تکنیک‌های کنترل سیاسی را که سابقاً غیر قابل تصور بودند، عرضه خواهد کرد. کل این مسأله حتی به وسیله جرم‌شناسان بنیادگرا مورد بررسی قرار نگرفته است. نیاز به نوشتن مقاله‌ای در خصوص جایگاه و نقش کامپیوترها در تکنولوژی سرکوبی هنوز باقی است.

چشم انداز دموکراسی‌های غربی که به حکومت‌های پلیسی بزرگ هم مسلک تغییر شکل می‌یابند، برای جرم‌شناسان رادیکال و لیبرال زیاد امیدوار کننده نیست. آینده علوم اجتماعی در یک چنین سناریوی تاریک، تیره و تاریک خواهد بود. اعتراض سیاسی بسختی مجازات گردیده و با مخالفت‌های سیاسی شدیداً برخورد خواهد شد و بنیادگرایی در آکادمی‌ها غیر قابل تحمل خواهد بود. علوم اجتماعی نیازمند یک فضای مطلوب معنوی است که آزادی بیان و عقیده را مجاز بداند.

## فصل دوم: جرم‌شناسی آینده

چیزی به عنوان علوم اجتماعی لایتغیر و خشک و انعطاف‌ناپذیر وجود ندارد. [بنابراین] سخن گفتن از جهت‌یابی مشخص هر رشته از علوم اجتماعی در آینده غیر ممکن است؛ چون همیشه چشم‌اندازهای مختلفی وجود دارد. طبیعتاً انسان می‌تواند بر جهت‌یابی عمده و غالب هر رشته تأمل نماید؛ برای مثال در مورد آنچه که ۵۰ تا ۱۰۰ سال بعد به عنوان جرم‌شناسی اصیل و عمده مشخص خواهد شد، تفکر نماید.

تحولات فوق‌الذکر در مورد جرم، قوانین جزایی، نگرش‌های اجتماعی نسبت به جرم و انحراف، شیوه‌های کنترل اجتماعی به این معناست که جرم‌شناسی آینده از جرم‌شناسی معاصر بسیار متفاوت خواهد بود. بسیار اندکی از فرضیه‌ها و انگاره‌های جاری جرم‌شناسی سنتی یا جرم‌شناسی رادیکال،

1- Order.

2- Security.

3- Subordination.

4- Prevention.

5- Normality.

احتمالاً، تأیید و تصدیق خواهد شد. [بلکه] ممکن است نادرستی اکثر آنها ثابت گردد. نه جرم‌شناسی اثبات‌گرا<sup>۱</sup> با تأکیدش بر آسیب‌شناسی فردی<sup>۲</sup> و ناهنجاریها و بی‌قاعدگیهای بزهکاران، و نه جرم‌شناسی رادیکال با تکیه‌اش بر اختلافات طبقاتی و ظلم و اجحاف طبقات بالای جامعه بر طبقات زحمتکش، قادر خواهد بود، حداقل با همین شکل فعلی و بدون اصلاحات عمده‌شان، در خصوص اشکال عمده جرم در جامعه مکانیکی، کامپیوتری و روباتی<sup>۳</sup> آینده، توجیهاست متقاعدکننده ارائه دهد. انتقادات جاری که بر دو الگوی متفاوت عمده در جرم‌شناسی وارد شده یا می‌شوند بهترین راهنماهایی هستند که ما را به پیشرفت آتی جرم‌شناسی رهنمون می‌سازند. از آنجا که جرم‌شناسی به داخل قرن بیست و یکم حرکت می‌کند. انتظار اینکه جرم‌شناسی در نتیجه و یا در پرتو این انتقادات، انگاره‌ها و فرضیه‌های خود را اصلاح نموده و پارادایم‌های بنیادین و دیدگاه‌های نظری خود را دوباره بررسی نموده و تئوریهای خود را دوباره تنظیم نماید، منطقی به نظر می‌رسد.

### بخش اول: کمبودها و نقصهای کنونی - شاخصهایی برای جهت‌گیریهای آینده

در جرم‌شناسی معاصر سه دیدگاه تقریباً متفاوت را می‌توان تشخیص داد:

۱- جرم‌شناسی محافظه‌کار<sup>۴</sup> که دارای جهت‌گیری اصلاحی بوده و جرم‌شناسی اداری نیز گفته می‌شود؛ دو فرضیه اساسی این جرم‌شناسی عبارتند از: [اول] شناسایی انحراف با آسیب‌شناسی، [دوم] اعتقاد به اینکه قانونشکنان از شهروندان مطیع قانون اساساً متفاوت هستند. جرم‌شناسی محافظه‌کار طرفدار ثبات بوده، حفظ ایدئولوژی رسمی را پذیرفته و به آن کمک می‌کند. نه تنها مشروعیت نظم قانونی را می‌پذیرد، بلکه مشروعیت آن را به عنوان یک فرض، مسلم و بدیهی دانسته و آن را ذاتی و مطلق می‌بیند.

۲- جامعه‌شناسی لیبرال انحراف، که شدیداً بر نگرش برچسب‌زنی<sup>۵</sup> و «تعامل‌گرایی»<sup>۶</sup> تکیه دارد.

1- Positivist criminology.

2- Individual Pathology.

3 - Robotised society.

4 - Conservative criminology.

۵ - نظریه بر حسب زنی، «labelling theory» این اندیشه که وقتی فردی از سوی دیگران در قالب خاصی توصیف شود، در نتیجه فشار اجتماعی به تغییر ادراک از خویشتن و رفتار خود دست خواهد زد تا با این توصیف هماهنگ شود، اولین بار بوسیله یک جرم‌شناس معروف آمریکایی به نام اریکسون، «kai Erikson» در سال ۱۹۶۲ در کتاب «تأیید بزهکار» مطرح گردید. توصیف متقاعدکننده از این فرایند در سال ۱۹۶۶ توسط شف «T.J. Scheff» در کتاب «بیماری روانی» ارائه گردید. وی استدلال نمود کسی که به عنوان بیمار روانی طبقه‌بندی می‌شود، بایستی نهایتاً نشانگر و بیانگر آن «بیماری» شده و سپس برای همیشه به دام افتاد؛ به عبارت دیگر وی چگونه می‌تواند در چنین وضعیتی، چنانچه سلامتی خود را باز یابد

این دیدگاه از ثبات و استقرار انتقاد کرده و از تحولات در قانون و سیستم عدالت جنایی به منظور کاهش تعصبات و بی‌عدالتیهای نهفته در ذات این سیستم طرفداری می‌کند. مشروعیت نظم قانونی را زیر سؤال برده و آن را نسبی دانسته و معتقد است که یک بحران مشروعیت وجود دارد. قانون فی‌نفسه خوب تلقی می‌شود. بسیاری از قوانین موجود بد بوده و نیاز به اصلاح دارند.

۳- جرم‌شناسی رادیکال، مارکسیست که نه اصلاح‌گرا است و نه اصلاح طلب، بلکه انتقادی، ضد ثبات بوده و هدفش تغییر نظامهای اجتماعی و اقتصادی است. این جرم‌شناسی این ایدئولوژی «غلط» را که نظام سرمایه‌داری به نفع کارگران است، افشا کرده و از حالت افسانه بودن بیرون آورد. [از نظر این شاخه از جرم‌شناسی] نظام قانونی موجود نامشروع تلقی گردیده و عدم مشروعیت آن به این دلیل که دولت و طبقه حاکم از حقوق جزا برای تضمین بقای نظام کاپیتالیستی استفاده می‌کنند، ذاتی و مطلق در نظر گرفته می‌شود.<sup>۷</sup>

→ ثابت نماید که به حالت عادی برگشته است؟ همین فرایند در مورد مجرمین دستگیر شده‌ای که با تشریفات تایید و اقرار به جرم و محکومیت کیفری در محضر دادگاه مواجه می‌شوند و رسماً برچسب مجرم به آنان زده می‌شود و نتیجتاً از آنان انتظار می‌رود که مجرم‌گونه رفتار نمایند، مصداق دارد. تکرار جرم در آینده نیز بدین ترتیب، نه وسیله فردیت شخص، بلکه برچسب فرایند برچسب زنی تبیین می‌گردد. تئوری برچسب زنی علی‌رغم اهمیتی که دارد از پاسخ به این سؤال باز می‌ماند که چرا مجرمان برای نخستین بار به ارتکاب جرم دست می‌زنند؟ یا اینکه چرا کسانی که دستگیر نمی‌شوند به ارتکاب جرم ادامه می‌دهند؟ این نظریه همچنین در این خصوص که دادگاهها، زندانها، بیمارستانها و غیره چگونه می‌توانند بدون استفاده از طبقه بندی، به وظایف خود بپردازند، هیچگونه راه حلی ارائه نمی‌دهد. (م. ر. ک.:

Demont Walsh and Adrian pool, OP. cit. P. 127

۶- ریشه‌های جرم‌شناسی تعامل‌گرا یا جرم‌شناسی کنش متقابل (Interactional- criminology) در مطالعه مکانیسمهای اجتماعی طرد کردن فرد نهفته است. این شاخه از جرم‌شناسی بیشتر در قالب نوشته‌های انگلیسی و از آغاز سالهای ۱۹۶۰ گسترش یافته و توجه همگان را به پدیده «رقم سیاه» و مفاهیم «برچسب زنی»، «لکه دار کردن» و «انگ اجتماعی زدن» جلب کرده است. جرم‌شناسی تعامل‌گرا به مطالعه تعاملها یا کنشهای متقابل موجود میان فرد و جامعه می‌پردازد و معتقدات که نقش جامعه در رفتار افراد دارای اثرات تعیین‌کننده‌ای است. از نظر این شاخه از جرم‌شناسی واکنش اجتماعی موجبات برچسب یا انگ مجرمانه زدن به فرد را فراهم می‌سازد. نظام عدالت کیفری باعث ایجاد انگ اجتماعی می‌شود. (از طریق تشکیل سجل کیفری، منع اقامت در محل معین،...) و پلیس، دادگستری و زندانها هر یک به نوبه خود از عوامل لکه دار کردن اجتماعی محسوب می‌گردند؛ در این صورت به نظر «لی‌مرت»، جرم‌شناس انگلیسی، بزهدار می‌تواند از رفتار منحرفانه خود یا نقش مربوط به آن به عنوان یک وسیله دفاع، تهاجم یا سازگاری با مسائل نهم و آشکاری که آثار و پیامدهای واکنش اجتماعی بر علیه او ایجاد کرده، استفاده نماید. بدین سان این انحراف ثانوی، بر بزهداری اولیه مسلط می‌شود؛ زیرا در نهایت مجرم جایگاه و هویت اجتماعی یک منحرف را می‌پذیرد و در جهت انطباق خود با نقشها و عملکردهای مربوط به آن کوشش می‌کند. (م.)

ر. ک. نجفی ابرند آبادی، دکتر علی حسین و حمید هاشم بیگی، پیشین، ص ۱۹۵ و ۱۹۶.

7 - These three perspectives correspond roughly to three identifiable political ideologies. But

همچنان که از این تقسیم‌بندی اولیه می‌توان ملاحظه کرد، سه دیدگاه قابل شناسایی وجود دارد. معذک در ادبیات جرم‌شناسی معاصر تقسیم‌بندی جرم‌شناسی از دو جهت کاملاً معروف است. [الف] جرم‌شناسی سنتی یا جرم‌شناسی اصیل؛ [ب] جرم‌شناسی انتقادی. جرم‌شناسی سنتی دارای عناوین متعدد جرم‌شناسی مرسوم، اداری، اصلاح‌گرا، اصلاح‌طلب، اثبات‌گرا، بالینی، کاربردی، عمل‌گرا و غیره می‌باشد و جرم‌شناسی انتقادی هم دارای عناوین مارکسیستی، سوسیالیستی، ماتریالیستی، جدید، ضد‌اصلاحی [رادیکال] و غیره می‌باشد. عناوین «انتقادی»<sup>۱</sup> و «رادیکال»<sup>۲</sup> اغلب به جای یکدیگر به کار می‌روند، که این امر گمراه‌کننده است. درست است که کسی نمی‌تواند بدون انتقادی بودن، رادیکال باشد، اما می‌تواند انتقادی باشد بدون اینکه این امر با رادیکال بودن او ملازمه‌ای داشته باشد.

گرایش به دو قطبی کردن جرم‌شناسی جای تأسف است. چون این گرایش تعدد دیدگاهها را هم در داخل جرم‌شناسی سنتی و هم جرم‌شناسی رادیکال نادیده گرفته و تمایل به این دارد که جرم‌شناسان را با دیدگاههای ماهیتاً متفاوت و حتی با ایدئولوژی‌های متفاوت در یک قطب جا دهد. از زمان ظهور جرم‌شناسی جدید<sup>۳</sup>، جرم‌شناسان رادیکال در حملات خود نسبت به جرم‌شناسی سنتی و مرسوم و انتقاداتشان از آن، کاملاً صریح بوده و شدت عمل به خرج داده‌اند. آنان جرم‌شناسی سنتی را به دلیل غیر تصویری بودن<sup>۴</sup>، غیر تاریخی بودن، غیر سیاسی بودن و حتی به دلیل غیر سیاسی کردن مسایل جرم‌شناسی، مورد انتقاد قرار داده و آن را به اصلاح‌گرایی<sup>۵</sup> و التقاط‌گرایی روشنفکر مآبانه<sup>۶</sup> و پشتیبانی از اصلاحات جزئی و یک وهله‌ای متهم کرده‌اند. آنان از نگرش محدود جرم‌شناسی سنتی نسبت به مسأله جرم اظهار تأسف کرده و آن را محکوم دانسته‌اند. و همچنین کوتاهی جرم‌شناسی سنتی را از بررسی علل و عوامل وسیعتر (یا در حقیقت علل مستقیم) جرم و انحراف، محکوم کرده و ادعا می‌کنند که این علل و عوامل نامحدود را تنها بر حسب تغییر سریع احتمالات سیاسی - اقتصادی جامعه صنعتی پیشرفته می‌توان فهمید. (تایلر، والتون و یونگ ۱۹۷۳).

→ they are, by no means, the only perspectives. Others include feminist criminology and realist criminology. There is also the abolitionist perspective championed by Louk Hulsman and Nils Christie, which in the description of Stanley Cohen (1988:27) deals with reaction rather than behaviour.

1 - Critical.

2- Radical.

3 - New criminology.

4 Unimaginative.

5- Correctionalism.

6- Intellectual eclecticism.

آنان همچنین جرم‌شناسی سنتی و مرسوم را به دلیل امتناع از بررسی جامعه به عنوان یک کل و در حقیقت به دلیل جدا در نظر گرفتن مردم از جامعه، محکوم کرده‌اند. جرم‌شناسان محافظه‌کار به جهت نادیده گرفتن ساختار قدرت، و بی‌توجهی یا کم‌توجهی به جامعه‌شناسی حقوق، و به دلیل کوتاهی در توجه به «مسائل اساسی تحریک‌کننده» که تداوم جرم و انحراف و مخالفت، آنها را مطرح می‌نماید، مورد انتقاد قرار گرفتند.

منتقدان دیگر به حملات و انتقادات جرم‌شناسان رادیکال پاتک زدند. «وارد کنندگان ضربات سنگین<sup>۱</sup>» نظیر کلوکار<sup>۲</sup> و مانکوف<sup>۳</sup>، نظریه پرداز مخالف، جرم‌شناسان رادیکال را به دلیل «دانش بی‌روح‌شان، نقصها و کمبودهای تجربی نامطلوبشان، به دلیل امپریالیسم سیاسی-اخلاقی خشن‌شان (کلوکار) و به دلیل ضعف روشنفکری آنان که دست کمی از ضد روشنفکری ندارد (مانکوف) مورد انتقاد قرار دادند. «وارد کنندگان ضربات سبک<sup>۴</sup>» جرم‌شناسی رادیکال را به دلیل «جهالت تاریخی، کم‌تجربگی، مبنای احساساتی داشتن آن، تعصب آن نسبت به روشنفکری، ورشکستگی علمی و آکادمیک‌اش» مورد انتقاد قرار دادند.

سایر منتقدان، «فراعمل‌گرایی<sup>۵</sup>»، «ابراز‌گرایی<sup>۶</sup>» و «نگرش رومانیک نسبت به قانون شکنی<sup>۷</sup>» جرم‌شناسی رادیکال را ذکر کرده<sup>۸</sup> و به کوتاهی جرم‌شناسان رادیکال از توجه به جرم در کشورهای

1- Heavy-hitters.

2 - Klockars, C.B. (1980), the contemporary crises of Marxist criminology. In J.A. (Inciardi) ed. Radical criminology-the coming crises. pp. 92-123 Beverly Hills, CA: Sage

3- Mankoff, M. (1980), A tower of Babel: Marxist criminologists and their critic. In J.A. (Inciardi) ed. Radical criminology-the coming crises. pp. 139-49. Beverly Hills, CA: Sage.

4- Soft-hitters.

۵- عمل‌گرایی «Functionalism» مکتبی است در جامعه‌شناسی معاصر آمریکا، این مکتب جامعه را همچون سیستمی واحد و منسجم می‌داند که هر عنصر آن کارکرد یا نقش معینی دارد. از لحاظ این مکتب وجه اساسی چنین سیستمی کنش متقابل اجزای آن و فقدان پایه تعیین‌کننده واحد است، بر خلاف مارکسیست که در میان روابط اجتماعی نقش تعیین‌کننده را از آن تولید می‌داند. (م. ر. ک. بابایی، پرویز؛ فرهنگ اصطلاحات فلسفه؛ چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه ۱۳۷۴، ص ۱۵۲.)

۶- «Instrumentalism» مکتبی است که معتقد است ارزش هر وسیله یا عاملی به درجه سودمندی آن بستگی دارد و در واقع نوعی پراگماتیسم است که مفاهیم، قوانین علمی و نظریه‌ها را صرفاً ابزارهای تجربه و تعیین نتایج آتی می‌شناسد. (م. ر. ک. همان، ص ۱۹۹.)

۷- «Romaniticism of illegality»، رمانتیسیسم، جنبشی است در فلسفه، تاریخ، هنر و نظریه سیاسی که مشخصه اصلی آن اعتقاد به قدرت تخیل و ارزش عالی هنر است و در واقع واکنش است علیه خردگرایی و تجربه‌گرایی دوران روشنگری اروپا. (م.)

8 - Spitzer, S. (1980). Leftwing, criminology- An infantile disorder? In J.A. Inciardi (ed.), Radical



سوسیالیست، عملکردها و تعهدات شدید سیاسی آنان، اجتناب آنان از تحقیقات تجربی، شیفتگی‌شان به ایدئولوژی مارکسیست و اعتقاد مطلق نسبت به «خوبی» جامعه سوسیالیست و جنبه سیاسی افراطی دادنشان به جرم، اشاره کردند.<sup>۱</sup>

... پیش‌بینی‌ها درباره آینده جرم‌شناسی رادیکال فراوان است. این پیش‌بینی‌ها از پیشگویی‌های وخیم و تیره و تاریک کارل کلوکارس<sup>۲</sup> گرفته تا پیش‌بینی‌های معقول و واقع‌گرایانه «دان گیبونز»<sup>۳</sup> متغیر است. کلوکارس پیش‌بینی می‌کند که مشهورترین و پراوازه‌ترین نوع جرم‌شناسی رادیکال، یعنی جرم‌شناسی رادیکالی که ملهم از تئوری مارکس می‌باشد، از شدت وحدت بررسی‌های محققانه و دقیق، جان سالم بدر نخواهد برد. او معتقد است که ورشکستگی کامل آن بزودی اعلام خواهد شد و تصدیق می‌کند که ما شاهد آخرین مرحله جرم‌شناسی مارکسیست می‌باشیم. علی‌رغم اضمحلال سوسیالیسم در اروپا، این نظریه افراطی غیر قابل توجه به نظر می‌رسد. مخصوصاً وقتی که انسان تحقیق «پل فری»<sup>۴</sup>، از جرم‌شناسان آکادمیک را به خاطر می‌آورد، که در آن حدود ۵۷ نفر از پاسخ‌دهندگان اعلام کردند که «جرم‌شناسی جدید» جانشین عملی جرم‌شناسی سنتی است. پل فری نقل می‌کند که پاسخ‌دهندگان متمایل به چشم‌اندازی از جرم‌شناسی جدید بودند که دارای توان بالقوه‌ای بوده و می‌تواند جرم‌شناسی سنتی را عوض کند.

«فرید ریچز»<sup>۵</sup> دو سناریوی ممکن را برای تحول جرم‌شناسی رادیکال ارائه می‌دهد: یکی سناریوی منفی و دیگری سناریوی مثبت. سناریوی اولی، انشعاب بالقوه جریانات متفاوت را در داخل جرم‌شناسی رادیکال و همچنین خطرات همیشگی‌گزینش و انتخاب را مورد تأکید قرار می‌دهد. این سناریوی بدبینانه آنچه را که آقای «راک»<sup>۶</sup> دقیقاً یک سال قبل بیان کرد منعکس می‌نماید. وقتی که او

---

→ criminology- the coming crises.pp.169-90. Beverly Hills,CA: sage publications.

1 - Shichor, D. (1980), some problems of credibility in radical criminology, In.J.A. Inciardi(ed.), Radical criminology. the coming crises. pp:191-212. Beverly Hills, CA: Sage.

2 - Karl kloekars,op.cit.pp.134-49.

3 - Gibbons, D.C.(1979), the criminological enterprise: Theories and perspectives. Englewood cliffs, NJ: prentic - Hall.

4 - pelfrey, W.V.(1980), the new criminology:Acceptance within academe,In.J.A. Inciardi(ed.), Radical criminology-the coming crises.pp.233-44, Beverly Hills, CA: Sage publications.

5 - Fridrichs,D.O.(1980). Radical criminology. in the U.S: Aninterpretive understanding. In.J.A. Inciardi(ed.) Radical criminology-the coming crises.pp.35.60. Beverly Hills, CA: Sage

6 - Rock.p.(1979). the sociology of crime,symbolic in teractionism and some problematic qualities

نوشت:

می‌توان تصور نمود که جرم‌شناسی رادیکال به انبوهی از جرم‌شناسی‌های فرعی متلاشی گردیده و هر یک در راستای دیدگاه جهانی اصیل، تغییر جهت خواهد داد.» سناریوی دوم فرید ریچز این احتمال را در نظر می‌گیرد که انواع موجود جرم‌شناسی رادیکال همدیگر را تکمیل و تقویت نموده و تا آخر دهه ۱۹۹۰ نظام رادیکال، که به اعتقاد او پاسخ‌گوترین نظام به هرج و مرج‌های اقتصادی دهه ۱۹۸۰ بوده، پارادایگم غالب جرم‌شناسی خواهد بود.

به اعتقاد گیبونز، چنین پیشرفتی خیلی بعید است. این احتمال که جرم‌شناسی اصیل و سنتی مرده اعلام گردیده و یک جرم‌شناسی رادیکال یا جرم‌شناسی مارکسیستی جدید به عنوان الگوی غالب به وجود آید، به نظر او کاملاً بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا همچنانکه وی خاطر نشان می‌سازد:

«جرم‌شناسان رادیکال از نظر تعداد خیلی محدودتر از آن هستند که بتوانند موجب ایجاد چنین پیامدی گردند. حتی مهمتر از این ... بسیاری از مسایل مهم جرم‌شناسی رادیکال مبهم، ظاهراً ساده، یا ناتمام و ناقص هستند، به گونه‌ای که تئوری جرم‌شناختی مارکسیست به اندازه کافی صریح و قاطع نیست که بتواند حمایت اکثر جرم‌شناسان را جلب کند.»

به نظر گیبونز، محتمل‌ترین پیشرفت در جرم‌شناسی آینده پیشرفتی است که در آن نوع اصلاح شده جرم‌شناسی اصیل و سنتی، توسعه خواهد یافت. این جرم‌شناسی متشکل از بسیاری از موضوعاتی خواهد بود که در سالهای اخیر در تئوری برجسب‌زنی اجتماعی، ادبیات انحراف، تعابیر مختلف اندیشه جرم‌شناختی و تجزیه و تحلیل‌های رادیکال - مارکسیستی ظاهر شده‌اند.

گفته شده است که در راه پیشرفت دیدگاهها و راه و روشهای جرم‌شناسی انتقادی به عنوان رویه غالب جرم‌شناسی، موانعی وجود دارد. در یک جامعه معین به نظر می‌رسد روند کلی هر رشته از علوم اجتماعی با نظامهای اجتماعی و اقتصادی موجود شکل گرفته و بدان وابسته است. اگر چنین است. نتیجه‌اش این است که در نظام سرمایه‌داری روند کلی علوم اجتماعی [جرم‌شناسی] نمی‌تواند مارکسیستی باشد و در سیستم مارکسیستی روند کلی نمی‌تواند یک روند سنتی و مرسوم باشد. بنابراین پذیرفتن اینکه در نیم قرن بعد روند کلی جرم‌شناسی در آمریکای شمالی، الگوهای زیربنای آن هر چه که باشد، با نظام اجتماعی و سیستم سیاسی - اقتصادی موجود هماهنگ خواهد بود، منطقی

→ of radical criminology. In D. Downes & P. Rock (eds) *Deviance and Interpretations*. pp. 52-84. London: Martin Robertson. 1- Gibbons, D.C. OP. cit. p. 195.

به نظر می‌رسد. انسان نیازمند نیست تا تصور را به مرز پیش‌بینی آنچه را که آینده برای جامعه آمریکای شمالی متضمن آن خواهد بود، ادامه دهد. اگر فکر کنیم یا انتظار داشته باشیم که در ۲۰، ۳۰ یا ۵۰ سال بعد، سوسیالیسم جانشین کاپیتالیسم، به عنوان شیوه غالب تولید خواهد بود، یا اینکه یک تحول بنیادین در روش سازماندهی روابط تولیدات اقتصادی به وجود خواهد آمد، صرفاً ساده‌اندیشی و جهالت خواهد بود. تحولات سیاسی اخیر در اروپای شرقی حاکی از آن است که چنین احتمالی فوق‌العاده بعید است. هیچ تردیدی وجود ندارد که جامعه آمریکای شمالی در ۲۰۵۰ یک جامعه سرمایه‌داری بسیار پیشرفته و نخستین مدل یک جامعه فرا صنعتی خواهد بود.

### بخش دوم: جهت‌گیری‌های آتی جرم‌شناسی

اگر این فرضیات درست باشد، در این صورت الگوی غالب برای جرم‌شناسی آمریکای شمالی نمی‌تواند یک الگوی مارکسیستی یا رادیکال باشد و نخواهد بود. البته این مطلب به آن معنا نیست که الگوهای معاصر جرم‌شناسی محافظه‌کار و لیبرال در آینده لا یتغیر و بی‌رقیب خواهد بود. [بلکه] برعکس احتمال می‌رود که کاملاً تغییر شکل یابند. محتوا، شکل‌گیری و جهت‌یابیهای جرم‌شناسی آینده نه تنها تحت تأثیر تحولات آتی جرم، حقوق جزا، واکنش اجتماعی نسبت به انحراف و شیوه‌های کنترل اجتماعی فوق‌الذکر خواهد بود، بلکه عمدتاً به موفقیت جرم‌شناسان اصیل و سنتی در اصلاح نقصها، معایب، ضعفها و کمبودهایی که بوسیله جرم‌شناسان رادیکال شناسایی و محکوم گردیده، وابسته خواهد بود. آنان به عنوان روشنفکر، اعم از آکادمیک‌ها و پژوهشگران، نمی‌توانند نسبت به انتقادات شدید و جدی که بر جرم‌شناسی سنتی و مرسوم وارد گردیده، بی‌تفاوت و بی‌اعتنا باشند. بنابراین باید انتظار داشت که جرم‌شناسان اصیل و سنتی خواه محافظه‌کار و لیبرال، خواه اصلاح‌گر یا اصلاح طلب. حداقل پاره‌ای از ایرادات اساسی وارده را مورد توجه قرار خواهند داد. این امر بایستی امکان ترسیم خطوط اساسی را که جرم‌شناسی سنتی و اصیل<sup>۱</sup> در دهه‌های آتی در امتداد آن احتمال پیشرفت را دارد، فراهم سازد.

#### الف) جرم‌شناسی اصیل در آینده به تاریخ، بیشتر اهمیت خواهد داد

تاریخ‌شناسی جرم یکی از فراموش شده‌ترین حوزه‌های جرم‌شناسی است. جرم را بدون بررسی و تجزیه و تحلیل زمینه‌های تاریخی آن نمی‌توان درک کرد. لکن مورخان به دلایلی از مطالعه تاریخ

حقوق غفلت کرده‌اند و حال آنکه جرم شناسان مطالعه تاریخ اجتماعی جرم را بی اساس دانسته‌اند. بدون تردید، توجه این امر، در توجه عمده جرم شناسی سنتی بر آسیب‌شناسی فردی نهفته است، تأکیدی که منتهی به کنار گذاشتن تاریخ به عنوان امری نامربوط در تفسیر پدیده مجرمانه می‌گردد. حتی در سالهای اخیر [نیز] مطالعات تاریخی در جرم شناسی نسبتاً کم بوده است. در دهه ۷۰ گیبونز<sup>۱</sup> متوجه شد که جرم شناسی آمریکایی گرچه بیش از هشت دهه قدمت دارد [لکن] تحقیقات جرم شناختی، من حیث المجموع بندرت به گذشته جرم در قرن هیجدهم و قبل از آن توجه داشته‌اند و در نتیجه از نظر تاریخی فقیر هستند.

تحقیق «فوکالت»<sup>۲</sup> و گزارش وی از اینکه چگونه نهادهای کیفری و قدرت مجازات کردن بخشی از زندگانی ما می‌شود، نه تنها گرایش رو به زوال را نسبت به تاریخ کیفر شناختی احیا کرد، بلکه نقش حیاتی را که تاریخ می‌تواند در تقویت فهم ما از پدیده مجرمانه و عدالت جنایی ایفا کند، نشان داد. بنابراین باید انتظار داشت که جرم شناسان در سالهای آتی به تاریخ توجه بیشتر نمایند و تاریخ یک بعد مهمی از تجزیه و تحلیل جرم و واکنش اجتماعی نسبت به انحراف و نهادهای عدالت جنایی باشد.

ب) جرم شناسی اصیل در آینده توجه بیشتری به جامعه شناسی حقوق خواهد داشت  
آقای «چمبلیس»<sup>۳</sup> در تألیفات خود در سال ۱۹۶۴ کمبود شدید تجزیه و تحلیل‌های جامعه شناختی لازم را، از رابطه بین قوانین خاص و محیط اجتماعی که این قوانین در آن ظاهر شده، تفسیر گردیده و شکل می‌گیرند، تقبیح نمود. جامعه شناسی حقوق، همچنانکه «آبرت»<sup>۴</sup> خاطر نشان می‌سازد، به عنوان یک مددکار، نقش حیاتی مهمی در افزایش آگاهی‌های حقوقدانان از نقش آن در جامعه، ایفا می‌کند.

جامعه شناسی انحراف و دیدگاه برجسب زنی، تصریح می‌کند که جامعه شناسی حقوق بخش لاینفک تحقیقات جرم شناختی است. تحول تاریخی جرم شناسی نشان می‌دهد که مطالعات جامعه شناختی از حقوق ضروری بوده و گام منطقی در تحصیل دانش جرم شناسی است. بدین ترتیب بود که

1- Gibbons, Dc. op. cit. p.1990.

2 - Foucoul, M. (1979). Discipline and punish: the Birth of the prison. New York: vintage.

3 - Chambliss, W. (1964, summer). A sociological analysis of the law of vagrancy. social problems, 12:46-77, 335.59

4- Aubert, V. (1969). sociology of law. selected readings. Harmond worth.

توجه تحقیقات جرم‌شناسی از قانون شکنی [بزه]، (مکتب کلاسیک) به قانون شکنان [بزهکاران] (مکتب تحقیقی ایتالیایی) تغییر کرد تا شامل قانونگذاری و قانونگذاران (جامعه‌شناسی حقوق) و اجرای قانون و مجریان آن (دیدگاه برجسب زنی) بشود.

### ج) جرم‌شناسی اصیل در آینده دارای جهت‌گیری سیاسی خواهد بود

مشخصه جرم‌شناسی در آینده آگاهی وسیع از ابعاد سیاسی جرم و نقشهای سیاسی حقوق جزا و سیستم عدالت جنایی خواهد بود.

جرم‌شناسی سنتی و مرسوم به دلیل غیر سیاسی بودن بحق مورد انتقاد قرار گرفته است. قبل از نیمه دهه ۱۹۶۰ جرم‌شناسی اصیل با ویژگی، قبول بی چون و چرای تعاریف جرم شناخته شد. علاوه بر این، همچنانکه آقای آلن<sup>۱</sup> خاطر نشان می‌سازد، ابعاد سیاسی عدالت جنایی برای اکثر کسانی که به صورت حرفه‌ای یا آکادمیک درگیر مطالعه و اجرای عدالت جنایی بودند، اهمیت اساسی نداشت. جامعه‌شناسان انحراف، تئوریسین‌های برجسب زنی و جرم‌شناسان رادیکال راه، به دلیل حساس کردن جرم‌شناسان سنتی به این حقیقت که تعریف رفتار و کردار به عنوان جرم ذاتاً یک تصمیم سیاسی است و حقوق جزا و سیستم عدالت جنایی از منافع سیاسی بخصوص حمایت می‌کند. و وظایف سیاسی را انجام می‌دهد، باید ستود. همچنانکه آقای آلن می‌گوید:

«به دلیل ماهیت ضمانت اجراهای کیفری، منافی که از سیستم عدالت جنایی خواسته می‌شود تا از آن حمایت نماید، و به دلیل اینکه این سیستم بازوی حکومت و وسیله‌ای برای اجرای قدرت است. عدالت جنایی ذاتاً و به طور اجتناب‌ناپذیر سیاسی است. عدم درک این حقایق بود که حفظ ارزشهای سیاسی مهم را برای بیشتر دانش‌پیشین در این زمینه، بی‌اهمیت و حتی خطرناک تلقی نمود. منافع اساسی بشریت، در حال حاضر، مثل گذشته، با اعمال قدرت دولت توسط نهادهای عدالت جنایی تهدید می‌شود؛ در نتیجه در درجه نخست اهمیت است که این واقعیت در دانش [مربوطه] انعکاس یابد.»

اینکه جرم‌شناسی آینده این ابعاد سیاسی را بتواند نادیده بگیرد، محل تردید است. مخصوصاً با توجه به اینکه احتمال دارد سرکوبی دولت ویژگی سیاسی بیشتری را به خود بگیرد. حدفاصل بین جرم

1- Allen, F.A.(1974). The crimes of politics: political dimensions of criminal justice. cambridge, MA: Harvard university press. p.22.

سیاسی و جرم عمومی<sup>۱</sup> (یا جرم مبتنی بر کامن لا) در آینده، در نتیجه بیشتر سیاسی شدن مجرمان و تأکید دولتها بر اینکه شورشیان سیاسی چیزی جز مجرمان عمومی نیستند، به طور فزاینده‌ای تیره و تار خواهد شد. سیاسی شدن جرم شناسی اصیل در آینده الزاماً به این معنا نیست که از جرم شناسی علمی به عنوان وسیله جهت ترویج اندیشه‌های سیاسی خاص استفاده خواهد شد.

#### د) جرم شناسی اصیل در آینده، بیشتر دستوری و ارزشی خواهد بود

به احتمال زیاد تصور دفاع و پشتیبانی از جرم شناسی غیر ارزشی، در آینده مشکل خواهد بود. ویلبر<sup>۲</sup>، عقیده داشت که اگر قرار است جامعه شناسی واقعاً علمی بوده و جامعه شناسانی که معتقدند، جامعه شناسی یک علم عینی و غیر ارزشی است،<sup>۳</sup> نصیحتش را گوش فرا دهند، باید از نظر ارزشی بی طرف باشد. تعدادی از جرم شناسان سنتی و اصیل موضع مشابهی را اتخاذ کرده و عمداً از توجه به مسایل سیاست جنایی خودداری نموده‌اند. آنان تابع پند و اندرزهای جرم شناسان بسیار معروفی نظیر «سلین»<sup>۴</sup> و «مانهایم»<sup>۵</sup> بودند که از جدایی سیاست جنایی از جرم شناسی پشتیبانی می‌کردند.

برای جرم شناسانی که در مغز خود یک جرم شناسی عینی، بی طرف و غیر ارزشی را می‌پروراندند، مسأله دستوری و ارزشی بودن جرم شناسی یک مسأله پر دردسری بوده است و تلاش آنان در راستای حفظ موضع به اصطلاح غیر ارزشی‌شان و پنهان کردن جبهه‌گیریهای آنان در پشتیبانی از وضعیت کنونی<sup>۶</sup> ناکام مانده است. بنا به دلایل آشکاری، چون جرم شناسان رادیکال و انتقادی علیه علوم اجتماعی غیر ارزشی دارای تعصب خاصی هستند، از این معضل در زجر و عذاب نبوده‌اند.

از آنجا که هدف آرمانی جرم شناسی اصیل یعنی جرم شناسی غیر ارزشی و بی طرف از لحاظ ایدئولوژیکی، کمتر و کمتر قابل حصول است (و شاید مطلوبیت کمتری دارد)، جرم شناسی آینده، بیشتر دستوری و ارزشی بوده و نه تنها با آنچه که بوده است و آنچه که هست در ارتباط خواهد بود، بلکه

1 - Conventional crime.

2 - Wilber, G.L. (1949); The scientific adequacy of criminological concepts social forces. 28. pp.165-74.

3- See Gibbons, 1979:133.

4 - Sellin, T. (1938). culture conflict and crime. New york: social science research council.

5 - Mannheim, H. (1965). comparative criminology. London: Routledge and kegan paul.

6- Status quo.

«آنچه که باید باشد» را مورد توجه قرار خواهد داد. هر چند که جرم شناسان سنتی و اصیل در آینده ممکن است به اندازه جرم شناسان رادیکال معاصر دارای تعهد سیاسی و ایدئولوژیکی نباشند، اما آنچه که مطمئناً به نظر می‌رسد این است که، جرم شناسی اصیل در آینده یک جرم شناسی گوشه‌گیر و منزوی نخواهد بود و بیشتر جرم شناسان دور ماندن از بحث‌های داغ ایدئولوژیکی و سیاسی را که در اطراف آنان بیداد خواهد نمود، بیش از پیش مشکل، و شاید غیر ممکن، خواهند یافت. حفظ جدایی «جرم شناسی علمی»<sup>۱</sup> از یک طرف و «سیاست جنایی»<sup>۲</sup> از طرف دیگر نیز مشکل خواهد بود [و] قطعاً اقتضای سرمایه‌گذاریهی تحقیقاتی مستقیم دولتی، تحقیقاتی خواهد بود که در رابطه با مسایل سیاسی دارای اهمیت صریح و آشکاری خواهد بود.<sup>۳</sup>

و) جرم شناسی اصیل آینده، نظریه جرم شناختی را در یک نظام ثوریکمی وسیع‌تر ادغام خواهد کرد دیدگاهی را که جرم شناسی سنتی در تفسیر پدیده مجرمانه پذیرفته، بنا به دلایل متعددی مورد انتقاد قرار گرفته است. «اسکور»<sup>۴</sup>، گرایش عمومی را در نگرش به جرم به عنوان یک پدیده غیر اجتماعی و بیگانه و تا حدودی خارج از جامعه سازمان یافته محکوم نمود. او اصرار دارد که این نگرش منجر به «تجزیه کردن مسایل جرم و نادیده گرفتن روابط نزدیک آنها با سایر شرایط اجتماعی که بزهکاران مانند افراد ناکرده بزه در آن شرایط بزرگ می‌شوند، می‌گردد.» آقای والد<sup>۵</sup> در توضیح نظریه‌های متعدد جرم، اظهار داشت:

«... جرم بر اساس اینکه چه نوع خط مشی فکری نقطه آغاز بحث باشد در آینده به گونه‌های مختلفی تفسیر خواهد شد. هر دیدگاهی خود را معمولاً خودکفا تلقی کرده و هیچ کدام برای تأیید و تصدیق خود به دیدگاه‌های دیگر متوسل نخواهد شد. هر یک تفاسیر خود را تقریباً بسیار مناسب دانسته و هیچکدام انتقاد از نقطه نظر دیگر را نپذیرفته و از آن استقبال نخواهد نمود.»

در چنین شرایطی که والد توصیف می‌کند، درک اینکه چرا جرم شناسی نظری در انجام وظیفه اصلی خود «تفسیر جرم» ناموفق بوده است، مشکل نیست. چون رفتاری که مجرمانه توصیف می‌شود،

1- Scientific criminology.

2- Criminal policy.

3 - Wiles, p. (1976). The new criminologies: Introduction. in crime and Delinquency in Britain. z.pp.1-35. london: Martin Robertson.

4 - Schur, E.M. (1969). our criminal society: The social and legal sources of crime in America. Englewood cliffs: Nj:prentice-Hall.

5 - Vold, G.B. (1958). theoretical criminology, New York: Oxford university press, p.110

نوعاً از رفتار دیگری که جرم شناسی نظری سعی در تفسیر آن را به طور مستقل، یا به گونه‌ای دیگر از رفتار غیر مجرمانه خیلی مفید نمی‌داند، متفاوت نیست. تا کنون تفسیرهای فردگرایانه از قرار دادن رفتار مجرمانه در داخل یک تئوری کلی از رفتار بشری، ناکام بوده‌اند و با آن گواینکه، یک واحد مجزایی بوده، برخورد کرده‌اند. حقیقتاً تا مادامی که هیچ نوع تئوری متقاعد کننده و کاملاً رضایت بخشی از رفتار انسان به طور کلی وجود نداشته باشد، هیچ نوع تئوری کاملاً مناسب یا عموماً پذیرفته شده از رفتار مجرمانه وجود نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

از آنجا که جرم یک پدیده واحد و مجزایی نمی‌باشد، به اعتقاد والد هیچ نظریه واحدی که بتواند رفتارهای بسیار متنوع و پیچیده انسان را تفسیر نماید، به وجود نخواهد آمد. او همچنین از نظریه جرم شناختی، تا زمانی که مجموعه کاملی از «علوم رفتاری»<sup>۲</sup> در تفسیر نظری رفتار انسان به طور کلی، به آن کفایت و شایستگی لازم نرسیده‌اند، این انتظار را ندارد که از رفتار مجرمانه تفسیرهای کاملاً شایسته و مقبولی را ارائه دهد.

از طرف دیگر، تفسیرهای جامعه شناختی اصیل و سنتی، نیز نتوانسته‌اند، جایگاه جامعه شناسی جرم را در داخل موضوعات مهم تئوری جامعه شناختی سنتی تعیین کرده و جرم را در ارتباط خیلی نزدیک با تاریخ، اقتصاد و علم سیاست بدانند.

گیبونز<sup>۳</sup>، پیش بینی می‌کند که سطوح جرم و واکنشها در مقابل قانون شکنی تحت تأثیر تحولات اقتصادی‌ای خواهد بود که در جامعه آمریکا در شرف وقوع بوده و به پیش‌بینی نسل جدیدی از جرم شناسان نیازمند است:

«اقتصاد آمریکا را دیگر نمی‌توان اقتصادی تلقی نمود که به توجه ویژه‌ای نیاز نداشته باشد. از آنجا که جرم‌شناسان به دنبال کشف ابعاد علی [علل] جرم هستند، در مطالعه عوامل اجتماعی جرم باید اقتصاد را هم در نظر بگیرند.»

(م) جهت‌گیری گسترده‌تر جرم شناسی اصیل در آینده در راستای همه مشکلات و مسایل اجتماعی خواهد بود نه پرداختن به مسأله جرم پنهانی

جرم شناسی سنتی حاوی یک نگرش کلی و جامع نگر نسبت به جرم نبوده و پدیده مجرمیت را به طور مستقل و جدا از سایر مشکلات اجتماعی در نظر گرفته است. «رابینسون»<sup>۴</sup> خاطر نشان می‌سازد

1 - Vold ,G.B.op.Cit.p.305.

2- Behavioral sciences.

3- Gibbones,D.C.,op.Cit,p.212.

4 - Robinson,C.(1985, Criminal justice research: two competing futures. crime and social justice,



که در دنیای معاصر، تبیین جرم، از طریق مطالعه جرم یا سایر نهادهایی که با جرم مبارزه می‌کنند ممکن نیست. همچنانکه مطالعه مستقل هزاران هزار مشکلاتی که جوامع مدرن دامنگیر آنها هستند، اصرار در اشتباه می‌باشد. او در یک فهرستی بیش از ۳۴ مورد از مشکلات اجتماعی را که در زمره مشکلات اجتماعی کنونی می‌باشند، احصا می‌کند. بسیاری از این مشکلات احصا شده به نوعی به سیاست جنایی مربوط هستند و بیشتر آنها بدون تردید به همدیگر وابسته می‌باشند. با وجود این بسیاری از جرم‌شناسان، تاکنون، عقیده دارند که مشکل جرم را می‌توان به طور مستقل و مجزا (از سایر مشکلات اجتماعی) مطالعه کرد. تمثیل مجازی رابینسون از این نگرش سنتی ما بسیار روشن‌کننده است:

«نگرش ما، با فرض اینکه به عنوان پژوهشگران عدالت جنایی ابدأ در قضیه دینفع نیستیم، انتخاب مشکل واحد و یافتن علت آن است: [مثلاً] «علت بزهکاری اطفال، اعتیاد به مواد مخدر، یا محاربه باند تبهکاران». ما جامعه خود را گویا کارخانه عروسی می‌بینیم که مقادیر هنگفتی عروسک «معیوب و ناقص» تولید می‌کند، ما در خارج از کارخانه و در اتاقهای کوچک، انفرادی، مجزا و بسته‌ای که یکی برای نصب کردن انگشتان ناقص، دیگری برای گوشه‌ها، پای راست، پای چپ، مو، و غیره می‌باشد، می‌نشینیم. هیچ کس با اندام کامل عروسک برخورد نمی‌کند، و مطمئناً کم می‌پرسد که خطا و اشتباه کارخانه چیست؟ اگر ما سئوالات درستی مطرح نکنیم، نمی‌توانیم جهت یافتن پاسخ به سئوالات در صراط مستقیم قرار بگیریم»<sup>۱</sup>.

جرم‌شناسی اصیل در آینده مجبور است، مشکلات اجتماعی را، که جرم یکی از آنها می‌باشد، به صورت پدیده مهم وابسته و نه مجزا از یکدیگر بررسی کرده و فرضیاتی را که بسیاری از آنها دارای ریشه‌های مشترکی بوده و تحت شرایط اجتماعی - سیاسی و فرهنگی و اقتصادی یکسانی ایجاد می‌شوند، به عنوان نقطه آغاز بحث خود بپذیرد.

(ن) جرم‌شناسی اصیل در آینده توجه بیشتری به تحقیقات تطبیقی خواهد داشت

کلمه پژوهش تطبیقی یا جرم‌شناسی تطبیقی در فهرست موضوعات کتب جرم‌شناسی آمریکاییان کمتر مشاهده می‌شود و جای تعجب نیست که هم جرم‌شناسان رادیکال و هم سنتی و

اصلی به دلیل انجام ندادن مطالعات تطبیقی مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. این مسأله در بحثها بین دو طرف ظاهر گردیده است. «مانکوف»<sup>۱</sup> جایگاه با اهمیت جرم‌شناسان و سایر دانشمندان علوم اجتماعی را که به مطالعات تطبیقی مشغول هستند، مورد تصدیق قرار داده و اذعان می‌کند که ارزشمندترین این مطالعات، مطالعاتی هستند که در یک جامعه بخصوص که به شکل اساسی ساختار اجتماعی خود را دگرگون می‌سازد، صورت می‌گیرد. او مطالعاتی تطبیقی را بین ملت‌هایی که سطوح مختلفی از پیشرفت اقتصادی را دارا بوده و واجد آداب و سنن فرهنگی و سیاسی مختلفی هستند، به دلیل متغیرهای بسیار گیج‌کننده‌ای که وارد صحنه می‌شود، مشکل‌آفرین و بغرنج می‌بیند.

مانکوف همچنین اظهار می‌دارد که مطالعات مربوط به جرم و تعارض در جوامع بسیار ابتدایی، جوامع فئودال و جوامع سوسیالیستی ممکن است نشانگر برجستگی‌های خاصی باشد که می‌تواند به تعمیم‌های جامعه‌شناختی ارزشمندی منتهی شود. او توضیح می‌دهد:

«اگر کسی گروه‌های مارکسیستی را در سازماندهی الگوهای اجتماعی مفید نمی‌یابد، می‌تواند جهت اهداف مطالعات تطبیقی، جوامع صنعتی در مقابل جوامع کشاورزی<sup>۲</sup> و جوامع مسیحی در مقابل مسلمان<sup>۳</sup> را دنبال کند<sup>۴</sup>».

«شیکور»<sup>۵</sup> به عدم حساسیت جرم‌شناسان رادیکال به این حقیقت که تفاوت‌هایی میان جوامع کاپیتالیستی متعدد وجود دارد، اشاره می‌کند. او استدلال می‌کند که تلقی کردن ایالات متحده به عنوان اسوه و الگوی یک جامعه کاپیتالیستی به فهم مشکل جرم کمک نمی‌کند. این امر روشن نمی‌کند که چرا در کشورهای مثل انگلستان، فرانسه، سوئد، نروژ یا نیوزیلند جرایم خشونت‌آمیز به فراوانی ایالات متحده نمی‌باشد و در برخی احتمالاً از سطح جرایم نظام‌های سوسیالیستی تجاوز نمی‌کند.

و) جرم‌شناسی اصیل در آینده بیشتر به مردم‌شناسی اجتماعی و فرهنگی متکی خواهد بود. همچنانکه «ریس»<sup>۶</sup> خاطر نشان می‌سازد، جرم‌شناسان شدیداً مدیون جامعه‌شناسی و روان‌شناسی هستند. جرم‌شناسی به واسطه تحقیقات پیرامون علل جرم برتری یافته است. جرم‌شناسان، از ابتدا، معتقد بوده‌اند که این علتها را باید یا در فرد یا در جامعه جستجو کرد. برای اینکه با محصول

1- Mankoff.

2- Industrial versus agrarian.

3- Christian versus Moslem

4- Mankoff, op.cit, p.147.

5- Shichor, D, op.cit. p.195.

6- Reiss, A.J., Jr. (1980). Sociological and psychological influences on criminology. In H.J. Schneider (ed). the psychology of the twentieth century. Weinheim: Belts. verlag.

طبیعت و سرشتند یا محصول تربیت. بنابراین، برای آنان توجه به روان‌شناسی و جامعه‌شناسی برای یافتن پاسخ بسیاری از سؤالات پیرامون علت‌شناسی جرم، امری طبیعی بود. مخصوصاً از این جهت که بسیاری از جرم‌شناسان در این دو رشته تربیت یافته بودند. جرم‌شناسان اندکی (برای مثال زابو D.szabo<sup>1</sup>) به سهم بالقوه مردم‌شناسی، در درک جرم و واکنش اجتماعی در قبال جرم، توجه داشته‌اند. در نتیجه استفاده و باروری متقابل بین جرم‌شناسی و مردم‌شناسی کم بوده است.

نظریات نژاد پرستانه جرم‌شناسان در مورد جرم و پذیرش گسترده دکترین مطلق‌گرایی<sup>۲</sup> تأثیر گذاری دیدگاه‌های مردم‌شناختی را بر نظریه جرم‌شناختی مشکل ساخته است. با توجه به اینکه جرم یک امر توصیفی است نه اینکه کیفیت ذاتی و درونی رفتار انسان باشد که به این عنوان برچسب زده می‌شود، و با توجه به نسبی بودن مسأله جرم و قربانی شدن از لحاظ فرهنگی، کمترین تردیدی وجود ندارد که دانش جرم‌شناسی، بشدت، می‌تواند به وسیله یافته‌ها و دستاوردهای تحقیقاتی در مردم‌شناسی فرهنگی و اجتماعی تقویت گردیده و بر غنای آن افزوده گردد. برای مثال دیدگاه‌های مردم‌شناختی ارایه شده توسط «سین هاول<sup>۳</sup>» و «ژی ویلیس<sup>۴</sup>» در کتاب «جوامع در صلح و آرامش» و مطالعات مردم‌شناختی «استدآ کالو<sup>۵</sup>» از اخلاق اتیوپیایی‌ها و دفاع شدید «رنتلن<sup>۶</sup>» از تئوری نسبیت فرهنگی، بسیاری از فرضیه‌های مربوط به برتری نژادی را که زیربنای بیشتر تئوری‌های جرم‌شناسی اثباتی است، در معرض تردید جدی قرار می‌دهد. ارزیابی انتقادی این تئوری‌های اخیر نمی‌تواند مسایلی را که به وسیله این مطالعات مردم‌شناختی، نژاد‌شناختی و تقابل فرهنگی مطرح می‌شود، نادیده بگیرد.

پیشرفتهایی که در حال حاضر در کشورهای غیر غربی و کشورهای جهان سوم در مورد جرم

1- Szabo,D.(1993).De L,anthropologie a la criminologie comparee. Paris: Librarie philosophique. j. vrin.

۲ - دکترین مطلق‌گرایی (Doctrine of universalism) نظریه‌ای است در مقابل نسبی‌گرایی و معتقد است که جرم امری است مطلق و در تمامی فرهنگها و زمانها و مکانها عملی قبیح و ناهنجار تلقی می‌گردد.(م)

3 - Signe Howell and Roy Willis, societies at peace, Anthopological perspectives. london: Routledge. 1989.

4-

Ibid.

5 - Akalu.A.(1985).Beyond morals? Experiements of living the life of the Ethiopian Nuer. Lund: CWK.

6 - Renteln, A.D. (1990). International Human Rights: Universalism versus Relativism. New bury park: sage.

شناسی صورت می‌گیرد، جرم‌شناسان اروپای غربی و آمریکای شمالی را به رقابت و رویارویی وادار کرده و آنها را به بررسی و ارزیابی مجدد و در نهایت بازبینی دیدگاهها و نظریات اخیرشان نسبت به جرم و مجرمان و واکنش اجتماعی در مقابل جرم، فراخوانده است.

### نتیجه‌گیری

این بررسی اجمالی و سناریوهای احتمالی از جرم‌شناسی در قرن ۲۱ به معنای تجزیه و تحلیل جامع و کامل آنچه که جرم‌شناسی در آینده شبیه آن خواهد بود، نمی‌باشد. بلکه صرفاً به منظور مطرح کردن بعضی از اندیشه‌های فوق‌مدرن و محرکی است تا زمینه را برای بحث و بررسی دقیق‌تر فراهم آورده و دیگران را به اندیشیدن بر اندیشه‌ها وادار نماید. آینده جرم‌شناسی طبیعتاً به رغبت و توانایی آن در مقابله با، نه تنها مشکل جرم بلکه سایر مشکلات مهم و عمومی جامعه ما بستگی خواهد داشت. از هر چه که بگذریم، جرم همیشه با شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ارتباط دارد. تا مادامی که بی‌عدالتیها، بی‌انصافی‌های کنونی و نابرابریهای مداوم، تا هنگامی که فقر، بیکاری، تبعیضات نژادی و جنسی، همچنان باقی بوده و از بین نرفته است، هیچ واکنشی علیه جرم مؤثر نخواهد بود. اصلاح قوانین جزایی و سیستم عدالت کیفری، هنگامی که در بطن اصلاحات کلی و اجتماعی صورت نگیرد، امری لغو و بی‌معنا خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی